

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه پیام‌های مقام معظم رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

به اجلاس‌های سراسری نماز

(از اجلاس اول تا اجلاس بیستم)

سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-
عنوان و نام پدیدآورنده: پیام معنویت: مجموعه پیام‌های مقام معظم رهبری حضرت
آیتالله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به اجلاس‌های سراسری نماز (اول تا بیستم).
مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۶۰-۰ وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع: نماز - کنگره‌ها رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹ پ ۸ ن / DSR۱۶۹۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴ شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۵۲۶۳۲



ستاد اقامه نماز

نام کتاب: پیام معنویت

موضوع: پیام‌های مقام معظم رهبری به اجلاس‌های سراسری نماز (اول تا بیستم)

ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

مراکز پخش:

۱- تهران، میدان فلسطین، انتشارات ستاد اقامه‌ی نماز، تلفن ۸۸۹۰۰۰۵۹ - ۸۸۹۶۶۶۶

۲- دفاتر ستادهای اقامه‌ی نماز سراسر کشور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۶۰-۰



الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ
فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا
عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	اجلاس اول - نماز، نشانه‌ی حکومت صالحان
۱۵	اجلاس دوم - نماز، بهشت خلوت انس
۱۹	اجلاس سوم - نماز، پیوند خلق و خالق
۲۵	اجلاس چهارم - نماز، نشانه حق‌گزاری
۳۱	اجلاس پنجم - نماز، روح پرستش و خضوع
۳۷	اجلاس ششم - نماز، راهی به سوی کامیابی
۴۳	اجلاس هفتم - نماز، برترین اعمال
۴۹	اجلاس هشتم - نماز، نور رستگاری بر پیشانی زندگی
۵۵	اجلاس نهم - نماز، بال پرواز انسان
۵۹	اجلاس دهم - نماز، طهارت روح
۶۳	اجلاس یازدهم - نماز، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه‌ی ذکر
۶۹	اجلاس دوازدهم - نماز، شربت شفابخش
۷۷	اجلاس سیزدهم - نماز، راه صلاح و فلاح
۸۱	اجلاس چهاردهم - نماز، برترین امر در برنامه‌ی کلان دولت اسلامی
۸۵	اجلاس پانزدهم - نماز، توجه به خدا
۹۵	اجلاس شانزدهم - نماز، نیاز آدمی
۹۹	اجلاس هفدهم - نماز، دانش و رسالت دانشگاه
۱۱۱	اجلاس هجدهم - نماز، مسجد و جوانان
۱۱۵	اجلاس نوزدهم - نماز، مسجد و خانواده
۱۲۱	اجلاس بیستم - نماز و مسجد طراز اسلامی
۱۲۵	اجلاس بیست‌ویکم - نماز و نهضت مسجدسازی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...»
آن‌گاه زمین از وراثت صالحان برخوردار می‌گردد، که خود را سجاده گسترده‌ی
نیایش شایستگان می‌یابد؛ و آن‌گاه صالحان از تمکن خود بر زمین خشنودند،
که یاد خدا و نام خدا را بالاتر از هر ذکری در مأذنه‌ی جان انسان‌ها ندا کنند
تا خلق او در همزیستی مسئولانه در کنار هم به آرامش و اطمینان برسند،
نیکی‌ها توسعه یابند و کژی‌ها از صحنه زندگی انسان رخت بربندند.
تلاش برای اقامه‌ی نمازی پرشور، آکنده از اشتیاق و سرشار از معرفت،
ثمره‌ی حاکمیت صالحان در نظام جمهوری اسلامی است. منادی این تلاش
سازمان یافته‌ی مقدس، رهبر حکیم و فرزانه‌ای است که از رشحات قلم او
دریای احساس و عاطفه دلسوختگان موج بر می‌دارد و اندیشه و خرد
خردورزان اوج می‌گیرد.

مجموعه پیام‌های حضرت ایشان به اجلاس‌های نماز که به حق منشور
بندگی حق و راهنمای عمل تلاش‌گران این عرصه‌ی مقدس است، همه
حکایت از این دارند که حیات طیبه اسلامی و زندگی در سایه حق و عدالت و
تأمین هدف‌های یک جامعه نیک بخت با حق‌گزاری این فریضه نورانی ممکن
خواهد بود.

لذا در ایامی که عزم ملت ما برای بازسازی معنوی، رشد و توسعه، عدالت و
آزادی و استقلال بیش‌از پیش استوار شده است، مجموعه‌ی این پیام‌ها را در
معرض ملاحظه از سر تعمق و تأمل همگان مخصوصاً اندیشمندان، برنامه‌ریزان
و سیاست‌گزاران و مجریان قرار می‌دهیم. امید آن‌که در حرکت به‌سوی احیای
تمدن مجدد اسلامی روشن‌گر راه آحاد جامعه انقلابی ما باشد.

ستاد اقامه‌ی نماز

**نماز،
نشانهی حکومت صالحان**

اولین اجلاس سراسری نماز

مشهد مقدس

مهرماه ۱۳۷۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکیل مجمعی از صاحب‌نظران برای اقامه‌ی نماز، یکی از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین کارهایی است که باید در جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت. زیرا برپاداشتن نماز، نخستین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان است و در رتبه‌ی بعد از آن است که نوبت به «زکات» به‌مثابه‌ی تنظیم مالی جامعه و ریشه کن کردن فقر، و نیز «امر به معروف و نهی از منکر» یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسد.

[الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ . . .] اقامه‌ی نماز فقط این نیست که

صالحان، خود نماز بگزارند. این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی

متوقف باشد؛ بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود و همه

کس با رازها و اشاره‌های آن، آشنا و از برکات آن برخوردار گردند.

درخشش معنویت و صفای ذکر الهی، همه‌ی آفاق جامعه را روشن و

مصفا کند؛ و تن‌ها و جان‌ها با هم به نماز بشتابند و در پناه آن طمأنینه و

استحکام یابند.

نماز، رکن اصلی دین است و باید اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مردم

داشته باشد. حیات طیبه انسان، در سایه‌ی حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل

خواهد شد که انسان‌ها دل خود را با یاد خدا زنده نگهدارند و به کمک آن

بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شرّ و فساد مبارزه کنند و همه‌ی بت‌ها را

بشکنند، و دست تطاول همه‌ی شیطان‌های درونی و برونی را از وجود خود

قطع کنند. این ذکر و حضور دائمی فقط به برکت نماز حاصل می‌شود و

نماز در حقیقت، پشتوانه‌ی مستحکم و ذخیره‌ی تمام‌نشدنی در مبارزه‌ای

است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می‌کشد، و

شیطان‌های قدرت که با زر و زور، او را وادار به ذلّت و تسلیم می‌کنند،

همیشه و در همه حال دارد. هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دائمی‌تر از نماز

برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی‌ترین انسان‌ها، رابطه‌ی خود با

خدا را به وسیله‌ی نماز آغاز می‌کنند. برجسته‌ترین اولیاء خدا نیز، بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می‌جویند.

این گنجینه‌ی ذکر و راز را هرگز پایانی نیست و هر که با آن بیش‌تر آشنا شود، جلوه و درخشش بیش‌تری در آن می‌یابد.

کلمات و اذکار نماز، هر یک خلاصه‌ای است که به بخشی از معارف دین اشاره می‌کند و به‌طور مکرر و پی‌درپی آن‌را به یاد نمازگزار می‌آورد. نمازی که با تدبّر در معانی و بدون سهو و غفلت گزارده شود، انسان را روز به‌روز با معارف الهی آشنا‌تر و به آن دل‌بسته‌تر می‌سازد.

نورانیت نماز، و رازها و رمزهای آن و درس‌هایی که در آن گنج‌انیده شده، و اثر آن در ساختن فرد و جامعه، چندان نیست که بشود در مقالی کوتاه از آن سخن گفت، بلکه چنان نیست که بی‌خبری چون من، بتواند از اعماق آن خبری آورد.

آن‌چه من با قلم قاصر و معرفت ناچیز خود می‌گویم آن است که مردم ما و جامعه‌ی ما، و به‌خصوص جوانان ما که اکنون بار امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌اند؛ باید نماز را منبع قدرتی لایزال بدانند، و در برابر جبهه‌ی فساد و بی‌عدالتی و کج‌روی که امروز بشریت را تهدید می‌کند، از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند. میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ماست، ما را به تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، بیش‌از همیشه و بیش‌از همه، محتاج می‌سازد، و نماز آن سرچشمه‌ی جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما می‌بخشد.

نماز با حضور و با توجه، نمازی که از یاد و ذکر، سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن می‌گوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد؛ چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف می‌رهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل او را از میل به کج‌روی و گناه و پستی نجات می‌دهد. از این رو است که نماز در همه‌ی حالات، حتی در میدان نبرد و در سخت‌ترین آزمایش‌های زندگی، اولویت خود را از دست نمی‌دهد. انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه‌های خطر، محتاج‌تر.

حقیقت آن است که در کار معرفی نماز، کوتاهی‌های زیادی شده است و نتیجه آن که نماز هنوز جایگاه شایسته‌ی خود را، حتی در نظام اسلامی ما، به دست نیاورده است.

این مسؤلیت سنگین، بر دوش دانشوران و آشنایان به معارف اسلامی است که نماز را به همه، به‌خصوص به نسل جوان بهتر بشناسانند؛ از کودک دبستانی تا پژوهش‌گر دوره‌های عالی، هر یک فراخور ذهن و معرفت خود، می‌توانند در راه شناختن نماز و رازهای آن قدم‌هایی بردارند و با ناشناخته‌هایی آشنا شوند، حتی عرفای بزرگ نیز برای سالکان وادی معرفت، اسرار الصلوة نوشته و آموخته‌اند؛ یعنی اعماق این اقیانوس همچنان ناشناخته و پیمودنی است. در جامعه‌ی ما فصل مهمی باید در معرفی نماز در همه‌ی سطوح گشوده شود. رسانه‌ها و به‌خصوص صدا و سیما با شیوه‌های گوناگون، نماز را معرفی و یادآوری کنند. همه جا و همیشه در رادیو و تلویزیون، نماز در اولویت گذاشته شود و شوق ایمان و عطش یاد خدا در دل‌ها پدید آید. در کلاس‌های دروس دینی مدارس و دانشگاه‌ها، درس نماز جایگاه خود را باز یابد و سخنان سنجیده و افکار بلند در بازشناسی نماز فراهم و در معرض ذهن و دل دانشجویان و دانش‌آموزان گذاشته شود.

فلسفه‌ی نماز و تحلیل رازها و رمزهای آن با زبان هنر، در معرض دید همگان قرار گیرد تا هر کس به‌قدر ظرفیت خود از آن متمتع گردد. کتاب‌ها و جزوه‌ها در سطوح مختلف و از دیدگاه‌های گوناگون به وسیله‌ی محققان و عالمان به سلک تحریر درآید و مایه کارهای هنری و ادبی گردد.

فصلی نیز باید برای آسان کردن انجام نماز گشوده شود:

در همه‌ی مراکز عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، سربازخانه‌ها، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار، ادارات دولتی و امثال آن، جایگاه‌های مناسبی برای نماز پیش‌بینی شود. مساجد و نمازخانه‌ها پاکیزه و مرتب و رغبت‌انگیز باشد. نماز در وقت فضیلت و به جماعت گزارده شود. در هر محیطی، برجستگان و بزرگان آن بر دیگران پیش‌قدم شوند و عملاً اعتنا به نماز را به دیگران بیاموزند. و خلاصه در همه‌جا حرکت به سمت نماز و شتافتن به نماز محسوس باشد.

با این مقدمات، به‌خواست خداوند متعال و با توجهات و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولی‌الله‌الاعظم (روحی فداه)، کشور و جامعه‌ی ما به هدف‌های والای نماز نزدیک می‌شود و از برکات آن بهره می‌گیرد.

در پایان لازم می‌دانم از فراهم‌آوردندگان این مجمع و همه‌ی کسانی که با وقوف بر اهمیت نماز، در راه اقامه‌ی آن تلاش می‌کنند، مخصوصاً از جناب حجت‌الاسلام آقای قرائتی که دل‌سوزانه و عاشقانه در این راه گام برمی‌دارند، صمیمانه تشکر کنم و قبول حضرت حق تعالی را برای این کوشش‌های مخلصانه، مسئلت نمایم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۰/۷/۱۶

نماز،
بهشت خلوت انس

دومین اجلاس سراسری نماز

مشهد مقدس

شهریورماه ۱۳۷۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب حجت‌الاسلام آقای قرائتی (دامت افاضاته)، بسیار از جناب‌عالی و همکارانتان متشکرم که همت کرده و دومین مجمع اقامه‌ی نماز را برای گسترش دادن فرهنگ نماز و استحکام بخشیدن پایه‌های آن در جامعه‌ی اسلامی ایران، فراهم آورده‌اید. و امیدوارم همگی مأجور و به هدف مقدس خود نائل گردید.

امسال اگر این‌جانب باید پیامی به شما و آن مجمع محترم بدهم، این پیام آن است که همه، کوشش خود را برای تحقق توصیه‌های مندرج در پیام سال گذشته به اولین مجمع، بکار برید و از این‌که آن‌ها فقط نقشی بر کاغذ و الفاظی برای شروع بحث بمانند، مانع شوید.

بی‌شک ناگفته‌های باب نماز بسیار است و قاصری چون این‌جانب کوچک‌تر از آن است که به همه‌ی آن معارف دست یابد، چه رسد به این‌که آن‌را در پیامی یا پیام‌هایی بگنجاند و امید است به فضل الهی و دستگیری حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) راه درک و تفهیم آن به دیگران بر دل‌های نورانی و با معرفت هموار گردد.

لیکن یکی از آن‌چه شناخته و دانسته‌ایم، راه شناخت بیش‌تر را به روی ما باز می‌کند و معرفت ما را روشن‌تر و بی‌شبهه‌تر می‌سازد.

گزارش‌ها، گویای آن است که از سال گذشته تاکنون قدم‌های عملی قابل تقدیری در این راه برداشته شده است ولی این از آن‌چه حق عظیم نماز در ایران اسلامی می‌طلبد بسی کم‌تر است. ان‌شاءالله همکاری همه‌ی دستگاه‌های اسلامی، اعم از: آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی و مطبوعات و دیگر نهادها و سازمان‌های مؤثر بتوانند شما را در مقصود مقدس‌تان یاری دهد. توفیق همگان را از خداوند خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۱/۶/۲۱

**نماز،
پیوند خلق و خالق**

سومین اجلاس سراسری نماز

بابلسر

شهریورماه ۱۳۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا را سپاس که تلاش مبارک شما دست اندرکاران ترویج فریضه نماز به سومین سالگرد رسید و کاری با چنین اهمیت، به اهتمامی پیگیر و خستگی ناپذیر پیوست.

راز موفقیت در دسترسی به هدف‌های بزرگ و والا، همین پی‌گیری و استمرار در طلب است، این درس بزرگ را نیز در یکی از آثار مناجاتی مولای پرهیزگاران می‌آموزیم که:

«وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ وَ الدَّوَامَ فِي الْأَتْصَالِ بِخِدْمَتِكَ...»

نماز در عرصه‌ی تکاپوی لایزال و ناگزیری که بشر بدان مأمور بلکه مطبوع‌گرفته است، بزرگ‌ترین فریضه و مؤثرترین ابزار است. شاید برخی این خصوصیت را برای نماز فقط در میدان تکاپوی فردی به سوی کمال، شناخته و از نقش آن در صحنه جهاد جمعی و اجتماعی و در برابر معارضات پر قدرت دنیایی سخنی نشنیده باشند.

از این رو باید دانست که پای‌مردی در همه گونه رویارویی، وابسته به آن است که دل‌ها و اراده‌ها از صفا و توکل و اعتماد به نفس و امید به فرجام، لبریز باشد، و نماز سرچشمه جوشانی است که این همه و بسی فیوضات دیگر را بر دل و جان نمازگزار سرازیر می‌کند و از او انسانی روشن ضمیر و ثابت قدم و بی‌دغدغه و امیدوار می‌سازد.

این‌که در قرآن و سخن والای پیامبر خاتم(صلی الله علیه و آله و سلم) نماز، بازدارنده از فحشاء و منکر و معراج مؤمن و تقرب دهنده پرهیزگار و در یک سخن، بهترین نهاد دین معرفی شده و پیامبر مکرم، آن‌را روشنی چشم خویش خوانده است، باید ما را در فهم عظمت نماز به تأمل و ژرف‌نگری بیش‌تر بکشاند.

البته این نکته نیز شایان ذکر است که نماز همین بر زبان راندن کلمات و گزاردن حرکاتی معین نیست. آن همه فیض و برکت، بر پدیدآوردن امواج صوتی و اعمال بدنی بی آن که روح ذکر و توجه در سراسر این کالبد دمیده باشد، مترتب نمی‌گردد، اگرچه حداقل تکلیف با آن ساقط می‌گردد. روح نماز، یاد خدا و خشوع و حضور در برابر اوست و این کلمات و اعمالی که با تعلیم الهی بر مکلف، واجب گشته است، بهترین قالب برای آن روح و نزدیک‌ترین راه به آن سرمنزل مقصود است.

نماز بی ذکر و حضور، کالبدی بی روح است که اگر چه نام نماز بر آن، مجاز نیست، لیکن اثر و خاصیت نماز نیز از آن مترقب نیست. از این حقیقت، در آثار دینی با عنوان «قبولی نماز» سخن رفته است، و چنین آمده است که از یک نماز که تو می‌گذاری، تنها هر آن چه با حضور و توجه آورده شده، قبول است و بس.

اینک نماز، موهبتی بی‌بدیل و سرچشمه‌ی فیضی لایزال، در اختیار ما است که با آن، نخست از خویش و سپس از هر آن که بدو مهر می‌ورزیم، انسان صالح بسازیم، این دروازه‌ای است گشاده به عرصه‌ای پهناور و مصفا. دریغ است که آدمی عمری را در جوار بهشت مصفایی بگذارند و سری بدان نکشد و عزیزان خود را بدان سوق ندهد. وحی الهی به پیامبر عظیم‌الشأن (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین فرمان داد:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»

امروز همه شما خود را طرف این خطاب بشمرید و نماز را، حقیقت مقدس و گوهر درخشان را، که عطیه الهی به امت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است قدر بشناسید.

در این وظیفه، هر کسی سهم ویژه‌ای دارد:

پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند.

معلمان، شاگردان مدارس و دانشگاه‌ها را در سمت و سوی این حقیقت درخشان به حرکت وادار نمایند.

فضلا و علماء و روحانیون محترم، امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاه‌های دانشجویان، برای نسل نو را فرصتی مغتنم بشمرند. نویسندگان کتاب‌های درسی، رازها و رمزها و درس‌های نماز را در کتاب‌های درسی بگنجانند.

وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما از هنر به ویژه هنر سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره نمازگزار بهره بگیرند. هنرمندان عزیز با زبان شعر و قصه و نقاشی و جز این‌ها، و با آفرینش آثار هنری با کیفیت، بلکه برجسته، دست چیره هنر را به کاری چنین شایسته مشغول سازند.

در مدارس، معلمان و مدیران، و در همه‌ی مراکز، مسؤولان، با حضور خود در صفوف نماز، نمازگزاران را تشویق کنند.

در گردهمایی‌های علمی و فرهنگی و آموزشی و تبلیغی، نماز را در وقت خود همچون الهام بخش صداقت و هدایت به جای آورند.

نویسندگان و گویندگان دینی درباره‌ی نماز و مفهوم و فلسفه و هدف و آثار و برکات و احکام آن بگویند و بنویسند.

مردم، مساجد را با حضور در نمازهای جماعت که بهترین شیوه‌ی نمازگزاردن است، رونق بخشند. در همه‌ی بناهای عمومی و جای‌هایی که همواره به طبع حال، مردمی در آن گرد می‌آیند؛ مانند فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار و بندرها و عزیمت‌گاه‌های خودروهایی همگانی و ادارات دولتی و بوستان‌های شهری و مانند این‌ها، نمازخانه‌ها یا مساجدی بنا کنند و افزون بر این، مردم، هر زمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد بشمار آورند و در آن به نماز بایستند.

از این گونه کار برای هر کسی و قشری از مردم هست که هر کس باید کنکاش کند و سهم خود را از این فریضه همگانی را بیابد و بدان دست زند.

در چنین وضعی است که جامعه اسلامی ما توانسته است نماز را اقامه کند و مصداق این آیه کریمه گردد که: [الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ صدق الله العلی العظیم.]

توفیق همه آحاد مسلمان را در درست انجام دادن این وظیفه‌ی الهی
مستل می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۲/۶/۱۶

**نماز،
نشانهی حق‌گزاری**

چهارمین اجلاس سراسری نماز

شیراز

شهریور ماه ۱۳۷۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با فرا رسیدن موسم گردهمایی‌های سالانه‌ی نماز، بار دیگر فضای فرهنگ‌ی کشور با نام و یاد همگانی این فریضه‌ی عظمی، معطر و منور گردیده است. همان‌طور که مژده قیام نماز، پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله و سلم) را - چنان‌که در حدیث آمده است - به وجد می‌آورد و به بلال، مژده‌رسان همیشگی نماز، می‌فرمود: «ارحنا یا بلال!» یعنی ای بلال! دلم را با اذان که مژده‌ی نماز است، راحت بخش! همان‌طور هم بزرگداشت نماز و گستردن و بلند کردن نام آن، دل بندگان خدا را وجد و نشاط می‌بخشد و ابرهای تیره‌ی ملال و اضطراب را از آفاق آن، پراکنده می‌سازد، و این برخاسته از ویژگی خود نماز است که مایه‌ی آرامش دل‌ها و برطرف کننده‌ی نگرانی‌ها و دغدغه‌های روحی در نماز گزار است.

باری، اینک دو سه سالی است که به همت مردان صاحب همتی، ایران اسلامی به سوی حق‌گزاری نماز پیش می‌رود. اگرچه ایرانیان مؤمن، هرگز به نماز پشت نکرده و این نعمت بزرگ خدا را ناسپاسی ننموده‌اند، لیکن حق نماز نیز غالباً چنان‌که باید، گزارده نشده است و اکنون این امید کم‌کم در دل پدید می‌آید که در آینده‌ای نزدیک - به خواست خدا - نماز به درستی حق‌گزاری شود.

پدیده‌های زیبایی چون: اقامه‌ی نمازهای جماعت در سطح شهرها، در میدان‌ها و بوستان‌ها و ورزشگاه‌ها، ساختن تالارهای بزرگ و مناسب نماز در برخی و ساختن یا آماده کردن نمازخانه در برخی دیگر از جاه‌ها، گرد آمدن بیش از پیش مردم و به ویژه جوانان در بسیاری از مساجد، برپا داشتن نماز جماعت در ظهر عاشورا در میان مراسم عزاداری، نوشتن کتاب‌های بسیار در باب نماز و جز این‌ها، همه و همه برانگیزاننده‌های آن امید بزرگ است.

نشانه‌ها و شاخص‌هایی هست که هرگاه و هرجا دیده می‌شوند، می‌توان گفت: حق نماز، گزارده شده است.

نخست همگانی شدن نماز است. ناسپاسی بزرگی است که، کسی در محیط اسلامی به سر برد و نماز را که برترین وظیفه‌ی هر مسلمان است، به جا نیاورد. چنین کسی نزد خدا و نزد بندگان خدا روسیاه و در حق خود، مقصر است، چرا که خویش را از برکات نماز محروم ساخته و درباره‌ی نماز کوتاهی کرده است. آن‌گاه که در جامعه‌ی اسلامی همگان، از پیر و جوان و نوجوان، و در هر موقعیت اجتماعی یا خانوادگی، و در همه‌ی شرایط زمانی و مکانی و جوی و در آسایش و در رنج و شادی و غم، نماز را چون پایه‌ی دین و بخشی از زندگی یک مسلمان، به‌جای آورند و به هیچ بهانه، عمداً آن‌را ترک نکردند، مهم‌ترین نشانه‌ی حق‌گزاری نماز آشکار شده است.

نشانه‌ی دیگر، نیکو به جای آوردن نماز است، یعنی با توجه به معنی و مفهوم کلمات نماز و همراه با خشوع و حضور. و این روح نماز است که بدون آن، نماز کالبدی است بی‌جان، و اگرچه ساقط کننده‌ی اقل تکلیف، ولی نه برآورنده‌ی همه‌ی هدف‌ها و مقاصد تشریح، این یک، البته نیازمند آموزش و نیز تمرین است و اگر به کمک الهی، تأمین شود، عمق روحیه‌ی دینی و برکات فراوان ایمان و عمل را با خود تأمین خواهد کرد.

نشانه‌ی دیگر، آبادی مساجد و افزایش نمازهای جماعت است، و این به معنای بروز برکات نماز در سطح همکاری و هم‌دلی اجتماعی است. بی‌شک این فریضه نیز با همه‌ی اتکال‌ش به عامل درونی یعنی توجه و ذکر و حضور، همچون دیگر واجبات دینی، ناظر به همه‌ی عرصه‌ی زندگی انسان است و نه به بخشی از آن، یعنی زندگی فردی و شخصی هرکس و آن‌جا که پای فعالیت و نشاط دسته جمعی افراد جامعه به میان می‌آید، نماز همچون گرم‌ترین و پرشورترین عبادت دسته جمعی، نقش بزرگی را بر عهده می‌گیرد.

مظهر این خصوصیت، همین نمازهای جماعت پنج‌گانه و نماز جمعه و نمازهای عید است.

نشانه‌ی دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه‌ی مطالعات و تحقیقات علمی است.

همان‌طور که بحث فقهی درباره‌ی نماز و مقدمات آن، طولانی‌ترین مباحث فقهی در حوزه‌های علمیه را تشکیل می‌دهد، بحث کلامی و عرفانی و اجتماعی نماز نیز باید سلسله‌ی مهمی از مباحث دینی مطرح در سطح جامعه را پدید آورد. آگاهان دینی و محققان و نویسندگان در این باره مقالات و تحقیقات و کتاب‌هایی فراهم کنند و بحث نماز به طور مکرر در همه‌ی جایگاه‌های تبلیغ دین، با زبان‌ها و شیوه‌ها و از زاویه‌های گوناگون مطرح گردد. در کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف، به تناسب فصل، فشرده یا گسترده ولی به‌هرحال، عمیق و متینی درباره‌ی نماز گنجانیده شود.

در صدا و سیما، نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقی گردد و در برنامه‌ای جداگانه یا در دل برنامه‌های گوناگون، از آن سخن رود و اعماق و رازها و درس‌های آن برای همه‌ی مردم بیان گردد. در سخنرانی‌های دینی در مساجد و غیره، بارها و بارها معارف نماز نیز همچون مسائل آن بازگو شود.

نشانه‌ی دیگر آن است که در همه‌ی جای‌ها و ساختمان‌های عمومی و دولتی، نمازخانه‌ای در خور دیده شود و نمازگزاردن در همه‌جا برای همه، کاری در دسترس به‌شمار آید.

نشانه‌ی دیگر آن است که بزرگان جامعه و کسانی که چشم‌ها به آن‌ها دوخته شده و انگشت‌ها آن‌ها را نشانه کرده است، در مراکز همگانی نماز دیده شوند و نمازخانه‌های مراکز عمومی، ویژه آدم‌های بی‌کار یا فرودست شمرده نشود.

و نشانه‌های دیگری که با تدبّر می‌توان بدان‌ها دست یافت.

هرگاه این نشانه‌ها، همه در جامعه‌ای پدید آید، به حق باید گفت که حق نماز در آن جامعه ادا شده است و هر چه این نشانه‌ها بیش‌تر باشد گرایش به حق‌گزاری نماز بیش‌تر است.

این جانب با دعا برای دست‌اندرکاران این حرکت الهی و به‌ویژه برای جناب حجت‌الاسلام آقای قرائتی که تلاش عظیمی را وقف این کار کرده‌اند، و تشکر از کسانی که به این دعوت حق پاسخ مثبت گفته‌اند و به ویژه از عزاداران عاشورای حسینی امسال که در روز عاشورا جلوه‌ی باشکوهی از نمازگزاری را نشان دادند، از خداوند متعال خواهانم که کشور ما و مردم ما را در این فریضه‌ی بزرگ نیز مانند بسی کارهای مهم دیگر، الگو و نمونه‌ی برتر سازد و ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل‌الله فرجه) را شامل حال ملت و کشور فرماید.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۳/۶/۱۰

**نماز،
روح پرستش و خضوع**

پنجمین اجلاس سراسری نماز

تبریز

شهریور ماه ۱۳۷۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اکنون چندسالی است که چنین روزهایی در کشور ما، موسم نماز است، یعنی فضای سراسر کشور به عطر دل‌انگیز یاد و نام نماز، آغشته است و انسان‌هایی روشن بین و با ایمان، با شور و نشاط همه‌جا از نماز می‌گویند و به نماز فرا می‌خوانند و برای اقامه‌ی نماز، مجاهدت می‌کنند، این تلاش مبارک، شایسته‌ی آن است که از سوی همه‌ی کسانی که به حیات طیبه‌ی اسلامی و زندگی در سایه‌ی حق و عدالت دل بسته‌اند، گرامی داشته شود و به پیوسته ماندن آن، کمک شود.

اقامه‌ی نماز در کشوری که پرچم اسلام را بر فراز سرخویش برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر گردیده، یکی از واجب‌ترین فرایض است. زیرا همه‌ی هدف‌های یک جامعه‌ی نیکبخت از قبیل: تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیت‌ها در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدف‌های والا، در صورتی تأمین می‌شود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم به‌ویژه در کارگزاران امور کشور، تأمین شود و انسان‌هایی پاک و برخوردار از همت و توکل و اخلاص و صبر و سخت‌کوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه‌ی روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و به‌ویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هر چه شمار این گونه انسان‌ها در جامعه و کشوری بیش‌تر باشد. افق آینده‌ی آن جامعه و آن کشور، روشن‌تر و حرکت به سوی نیکبختی در آن جامعه و آن کشور ممکن‌تر و آسان‌تر خواهد بود.

اهمیت نماز و یکی از رازهای پافشاری بر آن در معارف اسلامی را از آن‌چه گفتیم، می‌توان دانست، زیرا نماز، برترین چیزی است که می‌تواند همه‌ی افراد جامعه‌ی مسلمان را، به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند.

سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آنرا در تهذیب نفس و پرورش روانی انسانها پدید می‌آورد:

نخست آنکه نماز، با شکلی که در اسلام برای آن معین گشته یعنی حرکات و اذکار مخصوص، به‌طور طبیعی، نمازگزار را به دوری از گناه و آلودگی فرا می‌خواند:

[إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ]

این فراخوانی پیوسته، توانایی آنرا دارد که هر کس را از منجلاّب‌ها، رها سازد و عروج بخشد.

دوم آنکه در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت باری تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده می‌کند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است، می‌سترد.

سوم آنکه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانی را که شرط اصلی موفقیت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است، هدیه می‌کند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگی در راه اقدام مجتانه برای پرورش اخلاقی است، از او دور می‌سازد.

هر یک از سه خصوصیتی که گفته شد در خور آن است که با تدبّر و ژرف‌نگری دیده و سنجیده شود و از این راه، بسیاری از معارف نماز آشکار خواهد شد.

اکنون هنگامی که می‌بینیم نماز با این ویژگی‌ها و کارسازی استثنایی‌اش، گستردگی به اندازه‌ی گستره‌ی همه‌ی جامعه‌ی اسلامی دارد، یعنی همه در هر حال و هر جا وظیفه دارند آنرا به جای آورند و هیچکس، هرگز از قلمرو این فریضه‌ی الهی بیرون نیست، در می‌یابیم که اندازه‌ی تأثیر آن در تأمین شرط نیکبختی یک ملت و یک جامعه، چه‌قدر زیاد است.

حقیقت آن است که هرگاه در میان مردمی نماز با همه شرایطش رواج داشته باشد همین یک واجب الهی آنان را تدریجاً به همه نیکبختی می‌کشاند و خیمه دین را در زندگی آنان بر پا می‌سازد.

ناگفته نگذاریم که این همه، درباره‌ی نمازی است که با روح آن یعنی توجه و حضور قلب به جای آورده می‌شود. چنین نمازی، نمازگزار را با همه‌ی آفرینش، هماهنگ و همسو می‌سازد و راه را برای تحقق سنت‌های الهی در طبیعت و تاریخ باز می‌کند، چرا که در بینش اسلامی همه‌ی آفرینش در حال تسبیح و عبودیت حضرت حق است:

[يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ...]

توصیه‌ی مؤکد این‌جانب به همه، به‌ویژه جوانان، آن است که خود را با نماز مأنوس و از آن بهره‌مند سازند. یعنی این‌که نماز را با توجه به معنی و با احساس حضور در محضر پرودگار متعال «جَلَّتْ عَظَمَتُهُ» به‌جای آورند و این کار را با تمرین بر خود هموار و آسان سازند تا بتوانند نوافل، مخصوصاً نافله نمازهای صبح و مغرب را نیز ادا کنند و اگر هنوز در میان کسان و نزدیکان و دوستان آنان، کسی هست که خود را از فیض نماز محروم کرده باشد، او را از این گناه بزرگ و خسارت عظیم بازدارند و این‌کار را با زبان خوش و رفتار حکیمانه انجام دهند، البته پدران و مادران نسبت به نماز فرزندان خود مخصوصاً نوجوانان، مسؤولیت بیش‌تری دارند.

این‌جانب در پیام نماز سال‌های گذشته، توصیه‌هایی به دست‌اندرکاران و مسؤولان دستگاه‌های گوناگون در باب نماز کرده‌ام، بجا است هیأتی از این مجمع نماز، درباره‌ی آن‌ها به جست‌وجو و فحص پردازد و گزارش از چگونگی و اندازه‌ی تحقق آن خواسته‌ها فراهم آورد. در پایان با دعا برای همه‌ی شما عزیزان دست‌اندرکار مسأله‌ی نماز، امیدوارم زحمات شما مقبول الهی و منظور نظر حضرت ولی‌الله الأعظم (ارواحنا فداء و سلام‌الله علیه) باشد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۴/۶/۱۴

**نماز،
راهی به سوی کامیابی**

ششمین اجلاس سراسری نماز

زنجان

شهریورماه ۱۳۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند متعال را سپاس می‌گوییم که دل‌های نورانی و پاکیزه‌ای را به کار نماز و ترویج و برپاداری آن، برانگیخته و شوق مجاهدت و تلاش مخلصانه در این راه را به آن‌ها بخشیده است. ثمره‌ی کوشش‌های هوشمندانه جمع شما در این چند سال، آن شده است که نماز که مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیاز جویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالم وجود است، پرتوی درخشان‌تر و حضوری برجسته‌تر در ذهن و عمل جامعه‌ی اسلامی ما یافته است. اکنون بحمدالله در بسیاری از جاهایی که جماعت مردم در آن گرد می‌آیند و به‌ویژه مراکز گردآیی جوانان مانند مدارس و دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها و بوستان‌ها و نیز دانشگاه‌های دولتی و راه‌ها و غیره، نماز، حاضر و بارز و چشم و دل نواز است. نوشته‌ها و گفته‌های بسیار در رسانه‌ها و در کتاب‌ها و درس‌ها و برنامه‌های هنری و تبلیغی، به نماز می‌پردازد و ذهن‌ها و دل‌های کسان بی‌شماری را به این تکلیف شیرین و دل‌نشین، متمایل می‌سازد و به گزاردن آن وا می‌دارد.

شک نباید کرد که این، راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه-ی مهم‌های شخصی و اجتماعی، راهی است به سوی سعادت و فلاح [قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ...]. چه افراد و جماعتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و انابه- که نماز مظهر کامل آن است- و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قله‌های تعالی و کمال رسیدند، و چه بی‌خبران و کوتاه‌نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی، خود را از سعادت کامل محروم ساختند و چه در صورت تلاش و کار مادی و چه در صورت بی‌کارگی و تنبلی، هر جا به گونه‌ای خود را در منجلاب‌های محرومیت و ناکامی غرقه ساختند.

انسان‌هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه‌ی زندگی بشری را با یاد خدا و انس با او و عشق به او همراه می‌سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن‌را درمی‌یابند و آن‌را برای جسم و جان خود فراهم می‌کنند. شما برادران و خواهرانی که به امر نماز همت گماشته‌اید از این دیدگاه، در تدارک بزرگ‌ترین خدمت به مردم و کشور خود هستید و بی‌گمان، ملت ما از معرفت به نماز و عمل به آن بهره‌های بزرگ در همه‌ی عرصه‌های زندگی خود خواهد برد.

مسئولان محترم اقامه‌ی نماز گزارش امید بخشی از به کار بستن سفارش‌های قبلی درباره‌ی نماز داده‌اند. این‌جانب پس از سپاس از آنان و از همه‌ی بخش‌هایی که به آن سفارش‌ها جامه‌ی تحقق پوشانده‌اند، به همه‌ی دست‌اندرکاران این مهم و دیگر مدیران و مسئولان کشور توصیه می‌کنم که:

۱- برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌ای زده شود. در کتاب‌های معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های کوچک و قابل فهم همه، سخنان نغز و پرمغز و مضمون‌های تازه‌ی فراوان در این باره وارد شود.

۲- احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود و جزوه‌ها و نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملت‌های دیگر، آماده گردد.

۳- اذان از حنجره اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله‌ای محروم از آهنگ اذان نماند.

۴- مساجد، به شکل شایسته غبار روبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.

۵- نماز صبح در مساجد اقامه شود.

۶- نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزندانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پربرتر گردد.

- ۷- مدیران دستگاه‌های اداری و دولتی، خود متصدی اقامه‌ی نماز در آن دستگاه‌ها شوند.
- ۸- در سربازخانه‌ها، آموزش نماز و عمل به آن از آن‌چه هست، جدی‌تر گرفته شود.
- ۹- در میان جاده‌های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه در همه‌ی بیست و چهار ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.
- ۱۰- در شهرها و شهرک‌هایی که تازه ساخته می‌شود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر قرار گرفته و ساخته شود.
- ۱۱- در همه‌ی اجتماعات با فرارسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند برنامه‌ی زمانبندی آن‌ها جوری تنظیم شود که با وقت نماز تصادف پیدا نکند.
- ۱۲- و به‌طور خلاصه، وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن می‌شود، آن‌را محیط اهتمام به نماز و جایگاه اقامه‌ی آن بداند.
- توفیقات همه‌ی شما را از خداوند خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۵/۶/۳۱

**نماز،
برترین اعمال**

هفتمین اجلاس سراسری نماز

ارومیه

مهرماه ۱۳۷۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان مجموعه‌ی وظایف خطیری که با استقرار حاکمیت الهی در نقطه‌ای از زمین، بردوش مؤمنان و بندگان زنده‌ی خداوند قرار می‌گیرد، قرآن، اقامه‌ی نماز را شأنی ویژه بخشیده و آن را در صدر فهرست، جای داده است:

[الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ . . .]

اگر برپاداشتن نماز در میان مردم، نقشی بنیانی نمی‌داشت و همچون پایه‌ی استواری برای پیش‌برد هدف‌های بزرگ نظام اسلامی به شمار نمی‌آمد، چنین تأکید بلیغی بر اهمیت نماز نمی‌شد.

حقیقت آن است که نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه‌ی قلبی مؤمنان، با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نمازگزار، با ایجاد فضای تقدس و معنویت در پیرامون نماز گزار که موجب دوری او و دیگران از گناه است، و با درس‌های معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته است، بسی بیش‌از صرفاً یک وظیفه‌ی شخصی، و در واقع دارای نقش کلیدی در اداره‌ی فرد و جامعه است.

تأکیدهای بلیغی که برگزاردن این واجب شده؛ و حتی پدر و مادر موظف شده‌اند که فرزند خود را از دوران کودکی با آن مأنوس سازند، در میان همه‌ی واجبات دینی، بی‌نظیر است، و این به‌خاطر نقش استثنایی نماز در تنظیم انگیزه‌های روانی فرد و تأمین فضای مساعد برای تحمل بارهای سنگین وظیفه، در جامعه است. با توجه به همه‌ی این جهات، به-حق باید نماز را برترین اعمال دانست و صلای [حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ] را در بانگ نماز، سخنی حکمت آمیز به حساب آورد. نماز است که مایه‌های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه‌ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می‌آورد و او را شجاعانه بدان میدان‌ها گسیل می‌دارد.

هنگامی که به خاطر هجوم دشمن، فریضه‌ی جهاد اهمیت می‌یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه‌ی زکات و انفاق، همه را مخاطب می‌سازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه‌ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر، واجب همگانی می‌شود، در همه‌ی این شرائط، نماز، نه فقط از شأن «خیرالعملی» فرو نمی‌افتد، بلکه به‌مثابه پشتوانه‌ی روحی و معنوی همه‌ی مجاهدت‌ها و ایثارها و خطرپذیری‌ها، بر اهمیت آن افزوده می‌شود.

امروزه با سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری، انسان و انسانیت‌ها سخت در فشارند. آحاد بشر در چنین نظامی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را، با نواخت سنگین و روح‌گداز ماشین، همسان و یک آهنگ کنند. رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسی ارزش‌های اخلاقی دیگر، در این هم‌نواختی است که کم‌تأثیر و بی‌رنگ می‌شود، و خانواده و اخلاق همزیستی مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم می‌گردد. از ده‌ها سال پیش دلسوزان و تیزبینان، حتی در قلب محیط تمدن صنعتی و ماشینی، این خطر را احساس کرده و هشدار داده‌اند، و با تأسّف، هنوز میلیون‌ها انسان - به - ویژه جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیه‌ی آسیب‌پذیرتر دارند - در این بلای بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاج‌اند.

نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادث‌تر و جدی‌تر است و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است و شما مسؤولان امر ترویج نماز، باید به کمک الهی بتوانید، نه فقط نسل رو به رشد و بالنده‌ی جوان کشورمان، بلکه همه‌ی جان‌های نیازمند و کام‌های تشنه‌ی بشر متحیر در سراسر جهان را، اشباع کنید و از سرچشمه‌ی فیاض نماز بهره‌مند سازید.

- این جانب ضمن تقدیر از زحمات شما عزیزان که سال به سال، گسترده‌تر و بارآورتر می‌شود، شما و دیگر مسئولان و هم‌ه‌ی ملت عزیز را به نکات زیر توصیه می‌کنم:
- ۱- آشنایان با معارف اسلامی، شأن نماز و روح و محتوا و گستره‌ی تأثیر آن را در جان فرد و مجتمع را با شیوه‌های رسا، تبیین کنند، و به‌ویژه هنرمندان برای این مقصود از ابزار کارآمد هنر بهره بگیرند.
 - ۲- پدر و مادرها، کودکان و نوجوانان را با صورت و معنای این فریضه آشنا سازند و اگر باید از دیگران کمک گرفت، کتاب‌های شیرین و آسان فهم را برای کودکان خود بخوانند.
 - ۳- معلمان مدارس در هنگام نماز، نوجوانان پسر و دختر را به حضور در نمازخانه‌های مدارس تشویق کنند و خود پیش از همه به نماز بشتابند.
 - ۴- مسئولان پرورشی مدارس، نماز را در رأس برنامه‌های پرورشی به شمار آورند.
 - ۵- مسئولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه‌ی نماز، روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی، ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده‌ی برگزاری نماز کنند.
 - ۶- برنامه ریزان حرکت رسانه‌های سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه‌ریزیها در نظر بگیرند.
 - ۷- ائمه‌ی محترم جماعات، مساجد را از همیشه فعال‌تر کنند و آموزش ترجمه و مفهوم و روح نماز را به شکل نوین و جذاب، در برنامه‌های خود بگنجانند.
 - ۸- نویسندگان کتب معارف دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، نماز را از موضوعات مورد بحث آن کتاب‌ها قرار دهند و در آن، بحث‌های عالمانه و عمیق را در این باره مطرح سازند.
 - ۹- جوانان عزیز، دقائق معدود نماز را فقط برای نماز بگذارند و در طول نماز، تا آن‌جا که می‌توانند با تمرکز و حضور قلب، مایه‌ی زندگی بخش ذکر و تضرع را برای جان و دل نیازمند خویش تأمین کنند.

۱۰- همگان، نماز را که داروی شفابخش روح و مایه‌ی صفا و آرامش و نورانیت است، بر همه‌ی کارهای دیگر مقدم دارند و در هیچ شرایطی خود را از آن محروم نسازند و هرگز به بهانه‌ی مشغله و گرفتاری، این حضور رهایی بخش در محضر آفریدگار رحیم و کریم و عزیز را از دست ندهند.

خداوند فیض نماز را بیش از پیش بر این ملت مؤمن و نمازگزار، ارزانی فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۶/۷/۷

نماز
نور رستگاری بر پیشانی زندگی

هشتمین اجلاس سراسری نماز

تهران

شهریورماه ۱۳۷۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نظام اسلامی که برترین هدفش، پرورش انسان‌های والا و با فضیلت است، سازندگی فرد و جامعه را از هر دو سو، یعنی هم از جسم و هم از جان، هم در عرصه‌ی مادی و هم در ساحت معنوی به پیش می‌برد، و هر دو بال پرواز و تعالی آدمی را می‌گشاید و می‌آراید.

عبادات و در رأس آنان «نماز» بدین جهت است که چنین اهمیتی می‌یابد و نماز ستون دین نامیده می‌شود. نماز آن‌گاه که با توجه و حضور همراه است، نه تنها دل و جان نمازگزار، که فضای پیرامون او را نیز لطیف و نورانی و معطر می‌سازد و به خانه و خانواده و محیط کار و محفل دوستان و مجامع شهروندان و همه‌ی فضاها‌ی زندگی پرتوافشانی می‌کند.

هرچه نمازگزاران بیش‌تر متوجّه و خاشع و ذاکر شوند، ظلمات خودخواهی‌ها و خودکامگی‌ها و بددلی‌ها و آزمندی‌ها و تجاوزگری‌ها و حسادت‌ها و بدخواهی‌ها کم‌تر می‌شود و نور رستگاری بر پیشانی زندگی، بیش‌تر می‌درخشد.

ریشه‌ی همه‌ی تلخ‌کامی‌های بشر در غفلت از خدا و محدود شدن به منافع شخصی است. نماز، آدمی را از این حصارهای ظلمانی می‌رهاند و شهوت و غضب او را به سوی حقیقت متعالی و خیر همگانی هدایت می‌کند.

نماز خاشعانه و سرشار از حال و حضور، بهشتی واقعی، نخست در دل و جان نمازگزار و بتدریج در محیط زندگی می‌آفریند، و صلاح و فلاح را به انسان هدیه می‌کند. از این رو، در همه‌ی ادیان الهی، نمازگزاردن، اصلی‌ترین ادب دینداری و آشکارترین و عمومی‌ترین نشانه‌ی ایمان است، کامل‌ترین و زیباترین نمازهاست.

یکی از برکات انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر آن است که دل‌های پرشور و شوقی را به اهمیت و والایی فریضه‌ی نماز توجه داده و ترویج

روزافزون این پایه‌ی اساسی دین را، مرکز همّت و تلاش آن ساخته است.

اکنون در سال، هزاران تلاش گران‌بها، با اهتمام و کوشش صادقانه‌ی آنان، صرف آن می‌شود که راه روشن نماز به روی همگان گشوده شود و نمازگزاران بیشتری توفیق نماز با توجه و تذکر بیابند. انواع فعالیت‌های فرهنگی و هنری و تحقیقی و اجرایی در فهرست طولانی این تلاش‌ها قرار دارند. این جانب وظیفه‌ی خود می‌دانم که از این تلاش گران مؤمن که مشتمل بر مسؤولان عالی‌رتبه‌ی دولتی، و علمای معزز دینی، و برجستگان فرهنگی و علمی و هنری، و جوانان پرشور و زنان و مردان مؤمن از بخش‌های گوناگون اجتماع است، صمیمانه سپاس‌گزاری کنم و به‌طور ویژه از روحانی آگاه و دل‌سوز جناب حجت‌الاسلام قرائتی که نیروی عظیمی را در این راه بسیج کرده‌اند، تشکر نمایم.

اکنون لازم می‌دانم تذکراتی را به شما و همه‌ی مردم عزیزمان عرض کنم:

۱- همه‌ی آحاد نمازگزار باید سعی کنند که نماز را با توجه به معانی کلمات بخوانند، یعنی در نماز با خدای عزیز و رحیم سخن بگویند، این است آن سرچشمه‌ی فیضی که جان نمازگزار را سیراب می‌کند. البته این حقیقت نباید دستاویزی برای نفس بهانه‌گیر باشد که اگر توفیق چنین توجه و حضوری نیافت، نماز را ترک کنند. نماز در هر صورت، واجب و فریضه است و تارک نماز بزرگ‌ترین فرصت ارتباط با خداوند سبحان را از دست می‌دهد.

۲- لازم است دست‌اندرکاران، اوراقی شامل ترجمه‌ی نماز در همه‌ی سطوح، فراهم و میلیون‌ها نسخه از آن را در همه جا منتشر کنند. به هر کسی باید این امکان را بدهید که معانی کلمات نماز را بفهمد.

۳- فصل تازه‌یی از اقامه‌ی نماز - که بحمدالله در سطح شهرهای دیگر کشور تا حدود گسترده‌یی صورت گرفته - باید در سطح روستاهای کشور آغاز شود. ترویج صورت و معنای نماز در روستاها را با برنامه‌ریزی وسیع، آغاز کنید.

- ۴- چه نیکو است که از همه‌ی شهرهایی که در آن حوزه‌ی علمیّه و طلاب علوم دینی حضور دارند، در همه‌ی شب‌های جمعه گروه‌هایی به روستاها اعزام شوند. شعار اوّل این پیام رسانان دین و معنویت، باید اقامه‌ی نماز باشد.
- ۵- علمای دینی و فضایی که در بخش‌های گوناگون دولتی به خدماتی اشتغال دارند، شایسته است که به عمران معنوی مساجدی که در آن‌ها نماز جماعت اقامه نمی‌شود، بپردازند، امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ی بزرگ بشمرند.
- ۶- مأموران بخش‌های گوناگون دولتی، توصیه‌ها و دستورهای وزرای محترم درباره‌ی نماز را به‌طور جدّی دنبال کنند. همه‌ی سطوح و بخش‌ها در این تلاش مقدس سهیم شوند و سهمی از اجر آن‌را نصیب خود کنند.
- ۷- نماز در اغلب موارد در قرآن کریم همراه و همشأن زکات آمده است. فریضه‌ی عظیم زکات نیز همانند نماز به مجاهدتی خستگی‌ناپذیر و تلاش‌گرانی صادق و دلسوز نیازمند است. انتظار و امید آن است که شما عزیزان در این میدان جدید نیز گام نهید و همه‌ی کسانی که می‌توانند در ترویج و تبیین و تحقق مسأله‌ی مهمّ زکات، خدمتی ارائه کنند. بی‌درنگ دامن همّت به کمر زنند و از خود صدقه‌ی جاریه‌ی بر جای نهند.
- از خداوند شکور و رحیم مسئلت می‌کنم که خدمات شما را به‌نحو شایسته قبول فرماید و دعای حضرت ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداه را شامل حال شما نماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۷/۶/۱۸

**نماز،
بال پرواز انسان**

نهمین اجلاس سراسری نماز

تهران

شهریور ماه ۱۳۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگرچه درباره‌ی نماز سخنان گزیده و پرمغز از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) و نیز از متفکران و صاحب‌نظران دینی، دل‌های هدایت‌پژوه را روشن ساخته و به حقیقت و حکمت این فریضه‌ی بزرگ الهی آشنا کرده است، با این همه، باید گفت جایگاه بلند پایه‌ی نماز هنوز برای بسیاری از مردم حتی آنان که نماز را فریضه می‌دانند و به‌جای می‌آورند به‌درستی شناخته نیست. بی‌شک آگاهان جوامع اسلامی در این باب وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند و جای آنست که همه‌ی روش‌های تبیین و روشن‌گری برای ادای حق معرفت نماز به کار گرفته شود.

باید گفت که نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده‌اند تا بتواند از آن به هدف و غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابد. نماز اولین قدم سلوک الی‌الله است ولی ظرفیت این عامل الهی به اندازه‌ایست که در اوج کمال بشری نیز می‌تواند بال پرواز انسان عرشی شود، تا آن‌جا که برترین انسان تاریخ، یعنی پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «نماز نور چشم من است» و در هنگام فرا رسیدن وقت نماز، از مؤذن خود می‌خواهد که با سردادن بانگ اذان جان او را کامیاب و سرشار از راحت و امنیت سازد. شاید بتوان گفت که هیچ عامل عبادی دیگری این‌گونه در همه‌ی مراحل تکامل معنوی انسان برای او کارگشا و نیروبخش و پیش‌برنده نیست.

نماز از آن‌جا که اولاً سلامت و تعالی اخلاقی و معنوی به افراد جامعه می‌بخشد و ثانیاً از آن رو که با شکل و محتوای ویژه خود نمازگزار را به انضباط می‌کشاند و از بیهودگی و ولنگاری نجات می‌دهد، به حق باید یکی از عوامل مهم انضباط و انتظام اجتماعی شناخته شود. اگر نماز با حضور و از سر شوق و در هنگام فضیلت در میان مردمی رواج پیدا کند، این‌ها دستاوردهای قطعی آن مردم خواهد بود. بدیهی است که نماز از

سر کسالت و بی‌حضور و یا خود نمایانه هیچ یک از این فوائد را نخواهد داشت.

اکنون که بحمدالله به‌همت شما کمربستگان امر نماز حرکت تازه‌ای در جهت کشانده‌شدن دل‌ها به نماز به راه افتاده است، لازم است که از ظرفیت عظیم این عطیة الهی بیش‌ترین بهره برده شود.

جوانان با مضامین و معارف گنجانیده از نماز به‌درستی آشنا شوند. جا و فضا برای نماز گزاردن در همه‌ی مکان‌هایی که مردمی در آن گرد می‌آیند به شکل شایسته و جذاب آماده گردد؛ هر برنامه‌ی مزاحم با نماز در اول وقت از سوی دستگاه‌های مؤثر مانند مراکز رسانه و فرهنگی و مراکز جابه‌جایی مسافران و مراکز کسب و کار برطرف گردد. آهنگ اذان و لزوماً با صدای خوش در همه‌ی اوقات نماز در همه جای کشور به گوش رسد.

ائمه‌ی جماعت و کسانی که در عمل، خود مقتدای دیگرانند، در تحصیل شرائط نماز مقبول مجاهدت بلیغ کنند و مانند اصحاب معروف ائمه علیهم‌السلام در کیفیت و کمیت نمازهای فریضه و نافله سرمشق دیگران باشند؛ و خلاصه نماز را که ده‌ها سال پیش از انقلاب در کشور ما مورد بی‌مهری و تهاجم تبلیغات گوناگون قرار گرفته بود در کیفیتی شایسته همگانی کنند.

فضل و توفیق و هدایت الهی و دعای حضرت ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداه را برای شما و همه‌ی نمازگزاران مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۸/۶/۱۸

**نماز،
طهارت روح**

دهمین اجلاس سراسری نماز

همدان

شهریور ماه ۱۳۷۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان خصلت‌های نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه می‌سازند، تکبر از پرافت‌ترین آن‌ها است. خود برتر بینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقت‌ها را ناشناخته، و چه راه‌های فضیلت را ناپیموده می‌گذارد، و چه کینه‌ها و خصومت‌های نابحق و چه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها که پدید می‌آورد. آری تکبر، حجاب حقیقت و خار راه فضیلت، و دشمن صفا و صداقت، و انگیزه‌ی دشمنی و شرارت است. آحاد جامعه‌های بشری از آغاز عمر خود تاکنون، ضایعات بی‌شماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد، و سرکشی‌ها و تعصبات ناشی از آن، تحمل کرده‌اند و می‌کنند.

عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمان‌های مؤثر و کارآمد می‌باشند.

نماز، آن‌گاه که با حال و حضور و آداب، گزارده شود روح آدمی را به نیازمندی ذاتی وی آشنا می‌سازد، و ریشه‌ی کبر و تفاخر و جبروت موهوم را در درون او می‌سوزاند. خشوع در برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل او می‌تاباند و سایه‌ی وهم آلود خودبزرگ بینی را از آن می‌زداید.

[فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك و الصلاة تنزيهاً عن الكبر...]

چه نیکو است به سخن پیشوای پرهیزگاران و امیر مؤمنان علیه‌السلام گوش فرا دهیم و ستایش نماز را در سالی که مزین به نام والای اوست، از بیان ستوده‌ی او بشنویم. در نهج‌البلاغه چنین آمده است: [وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمُجَاهِدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ، تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ وَتَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ وَتَذَلِيلاً لِنُفُوسِهِمْ وَ إِذْهَاباً لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ...]. یعنی: خداوند بندگان مؤمن را با نمازها و زکات‌ها و روزه‌های دشوار از کبر و خودبینی محافظت و حراست می‌کند، به پیکر آنان آرامش می‌بخشد، به دیدگان آنان فروتنی می‌دهد، نفس آنان را رام می‌سازد، دل‌های آنان را افتادگی می‌آموزد، و خودپسندی را از آنان دور می‌کند.

در کشور اسلامی ما همه‌ی آحاد مردم به‌ویژه بلند پایگان علمی و اجتماعی و مالی، به این خصوصیات نیازمندند. بلای طغیان، و تجاوز، و زورگویی، و زیاده‌طلبی، و تحقیر دیگران، و نادیده گرفتن حق صاحبان حق، امروزه بزرگ‌ترین آفت جوامع بشری و جامعه‌ی جهانی است و علاج این همه، در این بیان والای علوی علیه‌السلام است.

توجه به این واقعیت‌ها، نقش برجسته‌ی نماز و نیایش را در چشم اهل بصیرت و انصاف آشکار می‌سازد و اهتمام به ترویج و تعریف این فریضه‌ی پر راز و رمز را، بر دوش آگاهان جامعه می‌نهد.

این‌جانب ضمن سپاس‌گزاری از شما که به کار نماز و معرفی و اقامه‌ی آن پرداخته‌اید، بار دیگر بر توصیه‌هایی که در پیام‌های گذشته کرده‌ام تأکید می‌ورزم، نسل جوان و نیک نهاد کشور را به قدردانی از فرصت نماز که فرصت شکفتگی معنوی و پالایش روحی است فرا می‌خوانم، به مسئولان فرهنگی و رسانه‌یی و همه‌ی مبلغان دینی اهمیت ترویج این فریضه و نقش بی‌همتای آن در پرورش فضیلت‌ها و زدودن فسادها را یادآور می‌شوم، و از همه‌ی خدمتگزاران این راه، و دلسوزان امر نماز که با قلم و بیان و مال و آبرو و حضور خود، به اقامه‌ی نماز کمک می‌کنند صمیمانه تشکر می‌کنم. امید است همگی مشمول رحمت الهی و دعای حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه باشید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۷۹/۶/۱۹

**نماز،
نابترين و كامل ترين نمونهي ذكر**

يازدهمين اجلاس سراسري نماز

اصفهان

شهر يورماه ۱۳۸۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان که از سویی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سویی دیگر، گاه محل بروز زشتی‌ها و پستی‌های بی‌همانند نیز می‌گردد. اگر در جایی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه‌های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جایی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده می‌کنیم.

این عنصر با استعداد، می‌تواند برترین موجود گیتی تا پست‌ترین پدیده‌ی هستی گردد. او مجهز به همه‌ی ابزارها و زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی و مادی، آفریده شده است. سرشت او، نیک و راه نیکی به روی او باز است. خرد و قدرت بر تصمیم‌گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند و رسولان الهی راهنمایان و امید دهندگان و کمک‌کنندگان به او.

اما او با این حال می‌تواند تسلیم ضعف‌ها و هوس‌ها و خودخواهی‌ها یا جهل‌ها و غفلت‌ها و عادت‌های خود شود و خود را از همه‌ی آن بشارت‌ها و امیدها و معراج‌ها محروم سازد. این همان است که آن‌را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هر یک از آحاد بشر، بزرگ‌ترین مصیبت او و خطرناک‌ترین تهدید به‌شمار رفته است و می‌رود. برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است.

ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. یعنی از دل مشغولی‌هایی که آدمی را اسیر و سوسه‌ی هوس‌ها می‌کند، یا میل به برتری جویی و کین‌ورزی و آزمندی او را ارضاء می‌سازد، خود را رها ساختن، یعنی او را از جهنمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و

بهجت و امن بردن. و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.

انسان در زندگی شخصی‌اش، گاه بر اثر محنت‌ها و شدت‌ها و مصیبت‌ها، و در زندگی جمعی‌اش، گاه با حوادث تحول‌آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می‌شود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافی‌گری و عیش‌بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که می‌تواند در همهی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک‌تر کند، نماز است.

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیش‌تر می‌بخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده باش می‌نوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک می‌سازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدت و محنت، در بحبوحه‌ی میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوس‌ها و کینه‌ها و شهوت‌ها و خودخواهی‌ها، پیرامون خود پدید آورده است. نماز یک شربت مقوی و شفابخش است، باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده‌ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد.

از این روست که نه «حیّ علیّ الجهاد» و نه «حیّ علیّ الصّوم» و نه «حیّ علیّ الأنفاق»، نگفته‌اند، ولی در هر روز بارها سروده‌اند: «حیّ علیّ الصّلوة».

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، نماز، ما را در حرکت‌مان مصمّم‌تر و نیرومندتر می‌کرد، و امروز که خطر غفلت و عیش‌بارگی و آرزوهای حقیر و تنگ‌نظرانه و عادت‌ها و روزمرگی‌ها ما را تهدید می‌کند، نماز به ما مصونیت می‌بخشد و بن‌بست‌های پنداری را می‌شکند و راه ما را روشن و افق را درخشان می‌سازد. این تنها برگی از کتاب مناقب نماز است، و همین برای به راه انداختن حرکتی جدی‌تر از گذشته، می‌تواند انگیزه‌ی ژرف و کارآمد پدید آورد.

همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشن فکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان، و بیش از همه، مسؤولان بخش‌های حکومتی مانند: وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم و فن‌آوری، ارشاد، صدا و سیما، سازمان‌های تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهشگاه‌ها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه‌ی امر و نهی آن‌هایند، مانند: نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، وسایل حمل و نقل و غیره ... اینان هر یک به گونه‌ی می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهم گردند و نقش ویژه‌ی خود را بگذارند.

این کار با سهل انگاری و کم‌همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آن‌هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست. همچنان‌که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوان‌های ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل می‌دهند، مردم زیادی از آنان که فیلم‌های سینمایی در گزارش واقعیت‌های زندگی آنان ساخته می‌شود، اهل نماز و نیاز و تهجدند، حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند می‌کنند، گروه‌های انبوهی در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده، به مسجد رو می‌آورند، این‌ها می‌توانند در ساخت‌های هنری، چهره‌ی زیبا و ترغیب کننده‌ی این فریضه‌ی نجات بخش را به همه نشان دهد.

در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگساری و راهنمایی و هم‌دلی را درکنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذاب‌ترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد.

به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت‌های فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سر فصل باشد.

هجرت هفتگی روحانیون مستقر در مراکز نظامی و غیره، به روستاهای همسایه‌ی این مراکز از توصیه‌های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم. همچنین فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه‌ی نماز در بوستان‌ها و گردشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها و امثال آن.

امامان محترم جماعت، اگر خود بر اثر کهنلت و غیره نمی‌توانند وظیفه‌ی رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران، به‌ویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند.

نمازهای جمعه باید پایگاه جذب و نصیحت و تعلیم باشد. امامان محترم جمعه با کمک برگزارکنندگان مراسم نماز، همه‌ی سعی خود را در این جهت مبذول دارند.

خدا را سپاس که محیط عمومی کشور، محیط ذکر و نماز و معنویت است، و خدا را سپاس که خیل عظیمی از مردم ما به‌ویژه جوانان، با نماز و نیاز، پیوندی روحی و عاطفی و عقلانی دارند. لیکن این همه باید گام-های نهایی شمرده نشود و بیش از گذشته تلاش عالمانه و مدبرانه و نازک اندیشانه در این رویکرد به کار رود.

لازم می‌دانم از همه‌ی کسانی که این راه را دلسوزانه گشوده و پیموده و برای آینده‌ی آن برنامه‌ریزی کرده‌اند صمیمانه سپاس‌گزاری کنم، به‌ویژه از روحانی پرهیزگار و پارسا و پرائگیزه جناب حجت‌الاسلام قرائتی که حقاً در این کار بر گردن همه‌ی ما حقی بزرگ دارند.

رحمت خدا و توجه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را برای ایشان و همگان مسئلت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمةالله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۰/۶/۱۵

**نماز،
شربت شفا بخش**

دوازدهمین اجلاس سراسری نماز

کرمان

شهریورماه ۱۳۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این گردهمایی را که همه ساله با حضور بلند پایگان علمی و سیاسی کشور تشکیل می‌گردد، باید یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌ها شمرد؛ زیرا موضوع آن نماز است که برترین فریضه‌ی دینی است و مخاطب آن همه‌ی آحاد ملت‌اند و از این رو لازم است که دست‌اندرکاران اجرایی ذی‌ربط نکاتی را که در آغاز این گردهمایی خطاب به آنان تذکر داده می‌شود صرفاً یک توصیه‌ی تشریفاتی نینگارند. در پیام سال گذشته‌ی این جانب به حاضران این گردهمایی و دیگران چنین آمده است:

«انسان که از سویی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سویی دیگر، گاه محل بروز زشتی‌ها و پستی‌های بی‌همانند نیز می‌گردد. اگر در جایی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه‌های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جایی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده می‌کنیم.

این عنصر با استعداد، می‌تواند برترین موجود گیتی تا پست‌ترین پدیده‌ی هستی گردد. او مجهز به همه‌ی ابزارها و زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی و مادی، آفریده شده است. سرشت او، نیک و راه نیکی به روی او باز است. خرد و قدرت بر تصمیم‌گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند و رسولان الهی راهنمایان و امید دهندگان و کمک کنندگان به او.

اما او با این حال می‌تواند تسلیم ضعف‌ها و هوس‌ها و خودخواهی‌ها یا جهل‌ها و غفلت‌ها و عادت‌های خود شود و خود را از همه‌ی آن بشارت‌ها و امیدها و معراج‌ها محروم سازد. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هریک از آحاد بشر، بزرگ‌ترین مصیبت او و خطرناک‌ترین

تهدید به شمار رفته است و می‌رود. برای پیش‌گیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است.

ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. یعنی از دل مشغولی‌هایی که آدمی را اسیر و سوسه‌ی هوس‌ها می‌کند، یا میل به برتری جویی و کین‌ورزی و آزمندی او را ارضاء می‌سازد، خود را رها ساختن، یعنی او را از جهنمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و بهجت و امن بردن. و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.

انسان در زندگی شخصی‌اش، گاه بر اثر محنت‌ها و شدت‌ها و مصیبت‌ها، و در زندگی جمعی‌اش، گاه با حوادث تحول‌آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می‌شود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق‌شدن در سرخوشی و اشرافی‌گری و عیش‌بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که می‌تواند در همه‌ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک‌تر کند، نماز است.

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیش‌تر می‌بخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده باش می‌نوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک می‌سازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدت و محنت، در بحبوحه‌ی میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوس‌ها و کینه‌ها و شهوت‌ها و خودخواهی‌ها، پیرامون خود پدید آورده است. نماز یک شربت مقوی و شفابخش است، باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده‌ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد.

از این روست که نه «حیّ علیّ الجهاد» و نه «حیّ علیّ الصّوم» و نه «حیّ علیّ الأنفاق»، نگفته‌اند، ولی در هر روز بارها سروده‌اند: «حیّ علیّ الصّلوّة».

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، نماز، ما را در حرکتان مصمم‌تر و نیرومندتر می‌کرد، و امروز که خطر غفلت و عیش بارگی و آرزوهای حقیر و تنگ‌نظرانه و عادت‌ها و روزمرگی‌ها ما را تهدید می‌کند، نماز به ما مصونیت می‌بخشد و بن‌بست‌های پنداری را می‌شکند و راه ما را روشن و افق را درخشان می‌سازد. این تنها برگی از کتاب مناقب نماز است، و همین برای به راه‌انداختن حرکتی جدی‌تر از گذشته، می‌تواند انگیزه‌ای ژرف و کارآمد پدیدآورد.

همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشن‌فکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان، و بیش از همه، مسئولان بخش‌های حکومتی مانند: وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم و فناوری، ارشاد، صدا و سیما، سازمان‌های تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهشگاه‌ها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه‌ی امر و نهی آن‌هایند، مانند: نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، و سائل حمل‌ونقل و غیره... اینان هر یک به گونه‌ی می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهیم گردند و نقش ویژه‌ی خود را بگذارند.

این کار با سهل‌انگاری و کم‌همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره‌گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آن‌هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست. همچنان‌که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوان‌های ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل می‌دهند، مردم زیادی از آنان که فیلم‌های سینمایی در گزارش واقعیت‌های زندگی آنان ساخته می‌شود، اهل نماز و نیاز و تهجدند، حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند می‌کنند، گروه‌های انبوهی در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده، به مسجد رو می‌آورند،

این‌ها می‌تواند در ساخت‌های هنری، چهره‌ی زیبا و ترغیب‌کننده‌ی این فریضه‌ی نجات بخش را به همه نشان دهد.

در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگساری و راهنمایی و هم‌دلی را در کنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذاب‌ترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد.

به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجدسازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت‌های فوق برنامه، در ردیف اول و بیش‌از سهم دیگر بخش‌های این سر فصل باشد.

هجرت هفتگی روحانیون مستقر در مراکز نظامی و غیره، به روستاهای همسایه‌ی این مراکز از توصیه‌های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم. همچنین فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه‌ی نماز در بوستان‌ها و گردشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها و امثال آن.

امامان محترم جماعت، اگر خود بر اثر کهولت و غیره نمی‌توانند وظیفه‌ی رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران، به‌ویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند.

نمازهای جمعه باید پایگاه جذب و نصیحت و تعلیم باشد. امامان محترم جمعه با کمک برگزارکنندگان مراسم نماز، همه‌ی سعی خود را در این جهت مبذول دارند.

خدا را سپاس که محیط عمومی کشور، محیط ذکر و نماز و معنویت است، و خدا را سپاس که خیل عظیمی از مردم ما به‌ویژه جوانان، با نماز و نیاز، پیوندی روحی و عاطفی و عقلانی دارند. لیکن این همه باید گام-های نهایی شمرده نشود و بیش‌از گذشته تلاش عالمانه و مدبرانه و نازک‌اندیشانه در این رویکرد به کار رود.»

اکنون این سؤال بسیار جدی و مهم برای این جانب مطرح است، که مسئولان اجرایی مخاطب این مطالبات تا چه حد به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند؟ صدا و سیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم و سایر مراکز دانشگاهی، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مراکز تولید سینمایی، نیروهای مسلح، مدیریت حمل و نقل و مدیریت‌های شهری و دیگران، چه اندازه وظیفه‌ای را که در این پیام از آنان، خواسته شده است به انجام رسانده‌اند؟

از ریاست محترم جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان عالی رتبه به جد انتظار می‌رود که دست‌اندرکاران را با این سؤال اساسی مواجه سازند و پاسخ فعال آنان را مطالبه کنند.

توفیق همه‌ی حضرات را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمةالله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۱/۶/۱۶

**نماز،
راه صلاح و فلاح**

سیزدهمین اجلاس سراسری نماز

شهرکرد

شهریور ماه ۱۳۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اینک پس از دوازده سال از آغاز حرکت مبارک اقامه‌ی نماز باید فصل دیگری در این تلاش و جهاد مبارک آغاز شود. این فصل می‌بایست نگاه خود را به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای دستیابی به هدف‌های تعریف شده‌ای بدوزد که به‌گونه‌ای انبوه و مترکم در خلال توصیه‌ها و دستورالعمل‌های تقدیم شده در این مدت، موج می‌زند. هدف بلندمدت اقامه‌ی نماز در جامعه، صلاح و فلاح همگانی است، لیکن تا رسیدن به آن مقصود والا، هدف میان‌مدت، بر افروختن چراغ نماز در همه‌ی خانه‌ها و در خانه‌ی دل‌ها است. و هدف کوتاه‌مدت، به کارگیری همه‌ی ظرفیت علمی و هنری و تبلیغی کشور در این راه و سمت‌وسو دادن به همه‌ی آن‌گونه تلاش‌ها در این جهت است.

هم‌چنان‌که برای گزاردن نماز باید قبله را شناخت و به آن روی آورد، برای لبریز کردن فضای دنیا و دنیای دل‌ها از عطر و جلوه و روح نماز هم قبله‌ای وجود دارد که باید آن‌را یافت و بدان روی کرد. این قبله همان هدف‌های والا و نهایی نماز است و روی کردن به آن، پیمودن راه‌هایی است که بدان منتهی می‌شود، و این راه‌ها در قالب هدف‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، تعریف‌شدنی است. اکنون بحمدالله با همت رییس‌جمهور محترم، دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به همکاری در عمل برای اقامه‌ی نماز فراخوانده شده‌اند، و از دستگاه‌های تبلیغی به‌ویژه صدا و سیما و وزارت‌های فرهنگی و گردانندگان مراکز جمعیتی، به‌طور ویژه در پیام سال‌های پیش تعهد مسئولانه خواسته شده است، کار لازم امروز آن است که هیأت‌هایی برای تعیین دقیق مأموریت‌های این دستگاه‌ها تشکیل شود و بر اثر آن، برنامه زمانبندی شده همه فعالیت‌ها و خدماتی که وظیفه‌ی آنان است با شیوه‌ای علمی و واقع بینانه فراهم گردد. و هیأت کارآمد دیگری مأمور پیگیری و نظارت مستمر بر پیشرفت این فعالیت‌ها و خدمات گردد.

براین اساس، گردهمایی سال آینده شما، مجمعی فقط برای سخنرانی نیست بلکه عرصه‌ای است که در آن می‌باید هیأت‌های مزبور گزارش پیشرفت آن برنامه‌ی زمانبندی شده را بدهند و جمع داورى عالی‌رتبه‌ای، سهم هر دستگاه را از تشویق و تقدیر و یا خدای نخواستہ از توبیخ و سرزنش به او پردازد و بر اساس پیشرفت‌ها یا توقف‌ها و موانع راه، برنامه‌ی جامع را تصحیح یا تکمیل کند.

بی‌شک دولت محترم و شخص رییس محترم جمهور می‌توانند برترین نقش را در این فرآیند منطقی و کارساز، ایفا کنند.

توفیقات همگان به‌ویژه جناب حجت‌الاسلام قرائتی را در پیش‌برد این خواسته‌ی ارزش‌مند از خداوند متعال مسئلت می‌کنم و امیدوارم مشمول ادعیه‌ی زاکیه حضرت بقیة‌الله باشند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۸۲/۶/۱۴

**نماز،
برترین امر در برنامه‌ی کلان دولت اسلامی**

چهاردهمین اجلاس سراسری نماز

یزد

شهریورماه ۱۳۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش از هر سخن، باید خدای حکیم علیم را بر توفیقی که به دست‌اندرکاران این گردهمایی مبارک ارزانی داشته، سپاس گویم و از آنان به‌ویژه حجت‌الاسلام آقای قرائتی به‌خاطر تداوم کار و پیگیری این مهم، قدردانی کنم. اهتمام به اقامه‌ی نماز در شمار برترین مواد در برنامه‌ی کلان دولت اسلامی است: [الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ]

اکنون نوبت محاسبه‌ی خویشتن است. باید به حساب خود در این وظیفه‌ی بزرگ پردازیم و کارکرد خویش را بیازماییم. این اجلاس، بار سنگین این بررسی را بر دوش گرفته است. اگرچه می‌توان حجم خدمات را در دستگاه‌ها به تقریب، مشخص کرد ولی ارزیابی حقیقی و درست، آن‌گاه میسر می‌گردد که نتایج و دستاوردها نیز محاسبه شود. مهم‌ترین شاخص در تعیین موفقیت باغبان، کمیت و کیفیت میوه‌ی است که در عرصه‌ی تلاش و مجاهدت او به دست می‌آید.

توصیه‌ی مؤکد این‌جانب این است که از نیروهای خلاق، متفکر و مؤکد در مجموعه‌ی پیگیر امر نماز، بیش‌ترین بهره‌گیری صورت گیرد. از توانایی‌های نرم‌افزاری در زمینه‌های: هنر، ادبیات، فیلم و تبلیغات حداکثر استفاده برده شود. راهکارهای برخاسته از توانایی علمی و هنری انتخاب گردد، و همه‌ی ظرفیت‌های فراوان موجود به کار گرفته شود.

ارزیابی مثبت و رضایت‌انگیز، هنگامی صورت خواهد گرفت که این فریضه‌ی انسان‌ساز، همچون زلال همیشه جوشان، فضای زندگی و فضای دل همگان را به طراوت و امید و ایمان مزین گرداند. توفیق همه‌ی مسؤولان را در این راه از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۳/۶/۱۰

**نماز،
توجه به خدا**

پانزدهمین اجلاس سراسری نماز

تهران

شهریور ماه ۱۳۸۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران عزیز! آقایان محترم! خیلی خوش آمدید. من حقیقتاً وظیفه می‌دانم که از جناب آقای قرائتی و بقیه‌ی کسانی که با ایشان در مسأله‌ی مهمّ نماز همکاری کردند: آقایان علمای محترم، ائمه‌ی جمعه‌ی محترم، مسؤولان بخش‌های مهمّ کشور، بعضی از وزرا، بعضی از مدیران، تشکر کنم.

می‌خواهم عرض بکنم که آنچه در این زمینه وقت بگذارید و تلاش کنید و از نیروی مادی و معنوی خودتان در امر ترویج نماز استفاده کنید، زیادی انجام نگرفته است؛ جا دارد. این که به ما گفتند «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»، باید این حرف را جدی بگیریم. خیمه‌ی دین با نماز برپاست؛ هم در دینداری و تدبیر یک فرد، هم در اقامه‌ی یک جامعه‌ی دینی و هم در دینداری یک کشور و یک مجتمع. اگر ما نتوانیم کیفیت تأثیر نماز را در این عرض عریض و وسیع درست تشخیص بدهیم، از کوتاهی دید ماست. و الا آن کسی که فرموده است: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» و آیات کریمه‌ی قرآن که ناطق به اهمّیت نماز هستند، آن‌ها خوب می‌دانند که این ساز و کار چگونه است و این نقش چگونه است.

یک وقتی در دوران طاغوت، در بعضی از سلول‌های زندان‌های دشوار و هولناک آن رژیم که زندانی‌های گوناگونی در آن‌جا زندانی بودند؛ از جمله زندانی‌های مسلمان، با تفکر اسلامی، تا بعضی که با گرایش‌های حزبی و ایدئولوژی‌های گوناگونی که به‌رحال اسمش اسلامی بود، ما شنیده بودیم - شاید خود من به غیر واسطه هم شنیده باشم، از دیگران هم شنیده بودیم که نقل می‌کردند - که بعضی از این‌ها می‌گفتند: چه قدر می‌گویید «حیّ علی الصَّلَاة»، بگویید «حیّ علی الجهاد». فضای مبارزه، این تفکر و این نگاه را به مسائل به وجود آورده بود که دائم چسبیده‌اید به «صلوة» و مرتب می‌گویید «حیّ علی الصَّلَاة»، خوب بگویید «حیّ علی الجهاد» و مردم را به جهاد فرا بخوانید. تجربه‌های

روزگار نشان داد که بی‌اعتنایی به نماز، چه بر سر یک انسان می‌آورد و چه بر سر جهاد انسان‌ها می‌آورد؛ هم جهاد را تعطیل می‌کند، هم جهت مبارزه را از جهاد بودن خارج می‌کند و تبدیل می‌کند به مبارزه‌ای برای قدرت، برای هوای نفس. آن چیزی که مبارزه‌ی یک انسان را، چالش یک امت را، رنگ جهاد و معنای جهاد می‌بخشد، او همان توجّه به خداست، که قوامش به نماز است. لذا اولین واجبی که بر پیغمبر واجب می‌شود، نماز است؛ اول تبلیغی که برای پیغمبر، خدای متعال معین می‌کند، «و أمر اهلک بالصلاة» است؛ توصیفی که خدای متعال در درجه‌ی اول برای جامعه‌ی موحد بیان می‌کند، [الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...] است. این، اهمّیت نماز است.

برای حرکت در این میدان آنچه که بیش از همه لازم است، دو چیز است: یکی انگیزه، آن نیروی درونی که انسان را حرکت بدهد و راه ببرد؛ دیگر، آن قطب‌نمایی که انسان، آن ستاره‌ی راهنما را فراموش نکند، جهتش کج نشود. اگر انگیزه نبود، انسان وسط راه می‌ماند؛ مشکلات زیاد است. اقامه‌ی جامعه‌ی توحیدی، اقامه‌ی عدل در میان بشر، برپا کردن خیمه‌ی حق در بین این همه طوفان‌های اهوای باطل، این‌ها کار آسانی نیست؛ انگیزه لازم است. این انگیزه عبارت است از توجه به خدا؛ «ذکر الله»؛ مدد گرفتن از پروردگار، کار را با حساب خدا انجام دادن؛ و آن قبله‌نما هم عبارت است از توجه به هدف کار و این‌که ما مقصودمان قدرت نیست، ثروت نیست، هوی‌پرستی نیست، تمنّیات شخصی نیست، ملاحظات گوناگون سیاسی نیست؛ هدفمان خداست. این دوتا خصوصیت، این دو عامل مهم، یعنی انگیزه و جهت‌گیری هر دو در نماز خلاصه شده. هم برای کسانی که بخش قابل توجهی از این مسؤلیت را بر دوش دارند، هم برای مردمان متوسط، هم برای عموم افراد جامعه، این لازم است.

البته کسانی که مسؤلیت‌هایشان سنگین‌تر است، آن‌ها بیش‌تر احتیاج دارند؛ آن‌ها نیازشان به هر دو بیش‌تر است؛ هم به انگیزه، هم به جهت‌یابی و دقت در جهت‌گیری. لذا این‌که خداوند به پیغمبر می‌فرماید:

«قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ شب را به ذکر خدا بگذران، بخش مهمی از شب را نماز بخوان، با خدا متصل شو. چرا؟ زیرا: «أَنَا سَأَلْتُكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»؛ کار سنگینی متوجه به توست؛ خطاب سنگینی متوجه به توست؛ خودت را آماده کن، برای این است. بنابراین، ماها بیش تر احتیاج داریم، دیگر مردم هم به نسبت در درجات مختلف به نماز احتیاج دارند. نماز اهمیتش این است.

و در نماز آنچه که مهم است و باید روی آن تکیه کرد بعد از ترویج اصل نماز - که همه را باید نمازخوان کرد و همه نمازخوان بشوند - عبارت است از توجه در نماز. همان چیزی که «حضور قلب» به آن گفته می شود.

این حضور قلب و توجه، کاری است که به تمرین احتیاج دارد. کسانی که این کارها را کرده اند و بلدند، به ما یاد می دهند که انسان باید در حال نماز، خود را در حضور یک مخاطب عالی شأن و عالی مقام که خالق هستی است و مالک همه وجود انسان است، احساس کند. هر مقدار از نماز که توانست این حالت را داشته باشد، به تعبیر روایات این نماز، نماز مقبول است، آن خاصیت و اثر را خواهد بخشید. و دیگر آثار نماز - که نمی شود آثار نماز را در چند جمله یا در چند فقره کوتاه خلاصه کرد - بر این مترتب می شود.

البته مقدمه اول و لازم این است که ما همه جوانها و همه مردممان را با نماز آشنا کنیم و اهمیت نماز را برای اینها شرح بدهیم. این کار، متصدی لازم دارد و بحمدالله شماها این را به عهده گرفته اید و متصدی این کار شده اید. حقیقتاً دستگاه های مختلف بایستی در این زمینه کار و تلاش کنند. این، مهم است؛ این، فقط این نیست که ما یک آدم غافل را، یا بی نماز را به نماز می کشانیم؛ این معنایش این است که ما داریم پایه های یک حرکت عظیم جهانی را که نظام جمهوری اسلامی؛ ستون مستحکم آن است، در میان انسانها استوار می کنیم. انسانها وقتی دلشان با نماز انس گرفت و از طریق نماز با خدای متعال مانوس و آشنا

شدند، به طور طبیعی گناهان از آن‌ها دور می‌شود؛ دل‌های این‌ها نسبت به گناه حساس می‌شود و آن حالت تقوایی که در شرع مقدس قوام دینداری است، بتدریج در انسان حاصل می‌شود. مسأله‌ی نماز، این است. لذا ما اولاً از همه‌ی دوستان به خصوص از شخص آقای قرائتی که واقعاً ایشان تلاش مجدانه‌ای و مخلصانه‌ای در این راه انجام دادند و کسانی که با ایشان همکاری کردند، صمیمانه تشکر می‌کنیم. ثانیاً تأکید می‌کنیم این کار را نیمه‌کاره نگذارید؛ میان راه خسته نشوید. این، برای همیشه است؛ این، کاری است که به طور مستمر باید ادامه داشته باشد؛ مثل خود نماز که تعطیل بردار نیست، توقف نمی‌پذیرد؛ چون غفلت انسان موجبات فراوانی دارد و خیلی چیزها انسان را غافل می‌کند. برای این‌که با این غفلت مبارزه بشود، این نماز لازم است؛ صبح، نماز؛ ظهر، نماز؛ شب، نماز؛ نافله، فریضه. مثل خود نماز که تعطیل بردار نیست این حرکت هم تعطیل بردار نیست. به اهمیت نماز، به تأثیر نماز، به شرایط معنوی نماز باید مردم را آشنا کرد و از همه‌ی ابزارهای مفید تبلیغ بایستی در این راه استفاده کرد.

یک جمله عرض بکنیم راجع به این حرفی که از قول پاپ نقل شده است؛ که دنیای اسلام بحق در مقابل این حرف عکس‌العمل نشان داد. دو جهت دارد؛ دو جنبه دارد این اظهار نظری که صادر شده است از یک شخصیت روحانی مسیحی درباره‌ی اسلام با یک میلیارد و نیم انسان متدین به اسلام و با میلیون‌ها کتاب نوشته‌شده درباره‌ی اسلام، از دو جنبه قابل توجه است:

جنبه‌ی اول که بیش‌تر هم امروز در دنیای اسلام و در این چند روز به آن توجه شده، مسأله‌ی تهمتی است که به اسلام متوجه شده است و این ایراد و این تهمت، ظلم به اسلام و بی‌انصافی درباره‌ی اسلام است. اسلام را متهم کردن به این‌که از عقلانیت جداست و نسبت به عقل بی‌اعتناست، همان‌قدر ظالمانه است که انکار یک امر بدیهی؛ انکار منافع خورشید، انکار نور خورشید!

در کدام کتاب آسمانی این همه مخاطبان امر شده‌اند به تفکر، به تعقل؛ «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ به تدبیر در آیات تکوینی الهی. در کدام کتاب آسمانی در اولین خطاب به علم، به قلم، به تعلیم، توجه شده است و اهمیت داده شده است. و امروز اگر دنیای غرب در کار علم و پیشرفت علمی موفقیتی دارد، کدام مورخ و مطلع با انصافی است که تصدیق نکند که این را از دنیای اسلام گرفته است. قرون وسطی که قرون تاریکی و ظلمت و سیاهی دنیای غرب و اروپا بود، دوران شکوفایی علم و تعقل و اندیشه و فلسفه و ابن‌سیناها و فارابی‌ها و افرادی این‌چنین، در دنیای اسلام است.

مسأله‌ی جهاد اسلام را هم نفهمیدن و بد معرفی کردن، این هم یک بی‌انصافی دیگر است. جهاد اسلام برای تحمیل عقیده نیست؛ برای مبارزه‌ی با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند. جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است. این، تاریخ اسلام است؛ این، عملکرد پیشوایان اسلام است؛ این، توصیه‌ی پیشوایان اسلام است. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) در خطاب و فرمان خود به مالک‌اشتر این جمله‌ی جاودانه و فراموش‌نشدنی را دارند که می‌فرماید: کسانی که تو با این‌ها در آن‌جا مواجه می‌شوی، یا با تو از لحاظ عقیده یکسانند، یا «وَأَمَّا شَرِيكَ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ یا در انسان بودن با تو شریک هستند. ملاک این‌ها است. حتی کسانی که از لحاظ عقیده با تو همراه نیستند، ولی انسانند، با انسان برخورد تکریم‌آمیز باید داشت. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ عَن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» - این دستور قرآن است - با کفار، با کسانی که با شما هم‌عقیده نیستند، اما به شما تجاوز نکردند؛ تعرض نکردند؛ تعدی نکردند؛ با شما ظالمانه برخورد نمی‌کنند، به این‌ها اعمال قسط کنید؛ نیکی کنید. «و ان تبرؤهم»؛ به آن‌ها نیکی کنید. دستور اسلام این است. چطور کسی این را نفهمد و جهاد اسلامی را که مبارزه‌ی آزادی‌بخش ملت‌هاست؛ مبارزه‌ی رها کردن ملت‌ها از چنگال قدرت‌های ستمگر ظالم است، این را این‌طور تفسیر

کند، که متأسفانه در این بیانات تفسیر شده و متعلق به امروز هم البته نیست؛ قرن‌ها روحانیون اروپایی این حرف‌ها را نسبت به اسلام می‌گفتند و ما در دوران‌های اخیر تصوّرمان این بود که این حرف‌ها تمام شده، روشن‌گری حقیقت، کار خودش را کرده است؛ اما انسان متأسفانه باز می‌بیند که از این حرف‌ها بر زبان‌هایی که نباید جاری شود، جاری می‌شود.

لکن جنبه‌ی دوم قضیه، به نظر من از جنبه‌ی اول مهم‌تر است و آن، سیاست‌های پشت‌پرده‌ی این‌گونه بیانات است، که مسأله را برای ما روشن می‌کند. مسأله‌ی بحران‌آفرینی مذهبی در دنیا، قرار دادن اصحاب ادیان مختلف و مذاهب مختلف در مقابل هم، جلوگیری از همکاری ملت‌هایی که دارای عقاید مختلفند، ایجاد جنگ، ایجاد درگیری و ایجاد بحران، که این خواست قدرت‌هایی است که ادامه‌ی حیات‌شان منوط به بحران‌آفرینی است؛ باید بحران‌آفرینی کنند تا بتوانند مقاصد خبیث خودشان را در میان جامعه‌ی بین‌المللی دنبال بکنند. من از این نگرانم که پشت سر این بیانات، بدبینی مسلمانان و مسیحیان نسبت به یکدیگر، کینه‌ورزی ملت‌های مسیحی و مسلمان با یکدیگر، زشت کردن چهره‌ی مسلمین - به‌خصوص در کشورهایی که در آن‌جا در اقلیتند؛ مثل کشورهای اروپایی و آمریکا - ایجاد بهانه‌هایی برای سرکوب جوامع مسلمان در این کشورها با اتهام واهی تروریست و امثال این‌ها فراهم شود. آنچه که پشت سر این قضیه هست، این جور سیاست‌هاست؛ این را باید توجه داشت. و گمان می‌کنم خود پاپ هم در این زمینه فریب خورده و توجه نکرده که پشت سر این حرف چیست و آن کسانی که وادار می‌کنند؛ زمینه‌سازی می‌کنند برای بیان این حرف‌ها، آن‌ها چه مقاصدی دارند؟

چند سال قبل یکی از رؤسای اروپایی آمده بود تهران و در ملاقات با من، با یک تعییری، اشاره‌ای کرد از جنگ مسیحی و مسلمان. من در مخاطبه‌ی با او اظهار تعجب کردم و گفتم مگر بناست جنگی بین مسلمانان و مسیحی‌ها بشود؟! گفتم مسلمان‌ها انگیزه‌ی جنگیدن با

مسیحیان را ندارند. در این صدسال اخیر هم - شاید هم بیش‌تر - هر چه جنگ در دنیا - جنگ‌های بزرگ - اتفاق افتاده است، جنگ بین خود مسیحی‌ها بوده است؛ جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، جنگ‌های فرانسه و آلمان؛ اسم آوردم و به او گفتم که این جنگ‌ها بین دولت‌های مسیحی بوده و بین مسیحیان و مسلمانان نبوده است. آن وقت، تعجب کردم از این که چرا این حرف را مطرح کرد. بعد از چندی این ماجرای برج‌های نیویورک اتفاق افتاد و اظهار نظر رییس‌جمهور امریکا که: جنگ صلیبی شروع شده است! این شخصی که مورد بحث ماست - که با من صحبت می‌کرد - یکی از کسان اصلی‌ای بود که پس از بیانات جورج بوش در پروژه‌ی امریکایی - صهیونیستی حمله‌ی به عراق، دخالت مستقیم داشت. من آن‌جا توجه کردم که این حرفی که با من در این‌جا مطرح شده بود، این مسبوق به یک مذاکره، به یک گفت‌وگو، به یک قرار در بین سران استکبار جهانی بوده است. آن کسانی که حلقه‌ی توطئه‌ی امریکایی - صهیونیستی را در مورد خاورمیانه تشکیل داده بودند، که قدم اولشان هم حمله‌ی به عراق بود. آن‌جا معنای آن حرف، برای من آشکار شد؛ جنگ صلیبی! جنگ مسلمانان و مسیحیان! البته موفق نشدند.

از آن روز تا امروز تلاش‌های زیادی کردند. ماجرای کاریکاتورهای اهانت‌آمیز در همین سلسله است. ماجرای اظهارات اهانت‌آمیز بعضی از سیاستمداران و مطبوعاتی‌ها نسبت به اسلام و مسلمین در امریکا و اروپا از همین مقوله است. این هم آخرین حلقه‌ی این سلسله است تا امروز، که متأسفانه این دفعه از زبان پاپ، از زبان یک روحانی مسیحی، صادر می‌شود. از بوش، ما خلاف توقعمان نمی‌شود؛ چون بوش همین است. رییس‌جمهور امریکا، یعنی عنصری که برای قدرت‌ها، کارتل‌ها و تراست‌های غارتگر جهانی کار می‌کند و به وسیله‌ی آن‌ها انتخاب شده است و دستش در کارهای آن‌هاست. انسان از او تعجب نمی‌کند؛ اما از یک مقام روحانی، خیلی تعجب‌آور است؛ خیلی مایه‌ی تأسف است که یک مقام روحانی ارشد در عالم مسیحیت وسیله‌ای بشود برای آن چیزی که سیاست عمده‌ی مستکبران و قدرتمندان و تجار زر و زور در سطح

دنیاست! وسیله‌ای بشود برای سیاست عمده‌ی به غارت برندگان ثروت- های ملی و بحران‌سازها و برای آن چیزی که هدف آن‌هاست. مسلمان‌ها باید به این توجه کنند.

آن کسانی که در قبال این اظهار نظر غیرمنصفانه موضع می‌گیرند، توجه کنند که جهت حمله و حرکت آن‌ها چه کسی باید باشد. آن کسی که این حرکت را در دنیا راه می‌اندازد و انگیزه دارد و منتفع و ذی‌نفع در این حرکت هست، پاپ و امثال پاپ نیستند، آن‌ها قدرت‌های جهانی و صهیونیست‌ها و امریکا هستند. در این قضیه هم شیطان بزرگ است که دارد در پشت پرده، نقش‌آفرینی می‌کند.

ان‌شاءالله امیدواریم که خداوند همه‌ی ما را حمایت کند؛ هدایت کند؛ دستگیری کند و بتوانیم در آنچه که وظیفه‌ی ماست، بصیر و هوشیار و کوشا ان‌شاءالله حرکت کنیم؛ و کید دشمنان اسلام و مسلمین را خداوند به خودشان برگرداند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۸۵/۶/۲۷

**نماز،
نیاز آدمی**

شانزدهمین اجلاس سراسری نماز

اراک

شهریورماه ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برپایی اجلاس نماز را گرامی می‌دارم و از ایزد دانا و شنوا درخواست می‌کنم که آنرا کانونی گرمابخش و چراغی روشن‌گر برای دل‌های پاک و با صفای جوانان ما بگرداند و نوای گوش‌نواز نیایش را در پهنه‌ی کشور ما بگستراند.

نماز، نیاز آدمی است. ما گرفتاران تخته‌بند زندگی مادی، به دریچه‌ای که هوای پاک آزادی را از عالم معنا به ما برساند و دل را از آلودگی و بی‌خبری برهاند نیازمندیم. بدون این پنجره‌ی روشنی، و طراوت، نهاد آدمی درخشندگی گوهر خویش را از دست می‌دهد و دل، رنگ و بو و سرشت گِل می‌گیرد. اگر نماز را آن‌گونه که هست بشناسیم، خدا را بر این هدیه‌ی بزرگ که پیامبرانش به ما داده‌اند، هزاران بار سپاس خواهیم گفت.

شما برپا دارندگان این گردهمایی که کوشش ارجمندتان پوشیده نیست، همّت خویش را بر آن بگمارید که نماز را به درستی بشناسانید. این از هر بخشنامه و دستوری و فرمانی کارسازتر است. دل‌ها با جویایی معنویت سرشته شده‌اند، شما این راه راست، این داروی معجزه‌گر، و این پنجره‌ی دل‌گشا را به آنان نشان دهید. این است آنچه نماز را همگانی و آنرا با حال و حضور و شور و شیدایی همراه می‌سازد، و این سخنان والا را معنی می‌کند، که:

الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ - نماز اوجگیری مؤمن است.

الصَّلَاةُ خَيْرُ مَوْضُوعٍ مَن شَاءَ اسْتَقَلَّ وَ مَن شَاءَ اسْتَكْتَرَ

نماز بهترین نهاده‌ی دین است، هرکه خواهد کم، و هرکه خواهد بیش، بهره از آن می‌گیرد.

و برای این کار بزرگ، ناگزیر باید هم خرد و هم هنر و هم انگیزه، به کار گرفته شود.

از خداوند متعال توفیق روزافزون برای همه‌ی شما مسألت می‌کنم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۶/۶/۱۴

**نماز، دانش و
رسالت دانشگاه**

هفدهمین اجلاس سراسری نماز

تهران

آبان‌ماه ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولاً قلباً و عمیقاً تشکر می‌کنم از برادران و خواهران عزیزی که متصدی امر ترویج نماز هستند. در همه جا؛ این خوب است و ارزشمند است؛ به خصوص در دانشگاه‌ها. و از خدای متعال درخواست می‌کنم که به شما و به جناب آقای قرائتی و همین‌طور دیگر دست‌اندرکاران این کار بزرگ - که این همت را کردند، این شجره‌ی طیبه را ایشان در زمین کاشتند و بحمدالله امروز برگ و بار خوبی دارد - توفیق بدهد، طول عمر بدهد که ان‌شاءالله ایشان بتوانند کار را دنبال کنند.

اهمیت کار اقامه‌ی نماز و ترویج نماز، ناشی است از اهمیت خود نماز. وقتی ما می‌بینیم در شرع مقدس اسلام این همه راجع به نماز - چه در قرآن، چه در کلمات نبی مکرم، چه در فرمایشات معصومین - ترغیب و تشویق و اهتمام نشان داده شده، کشف می‌کنیم که این نماز در بین مجموعه‌ی داروهای درمانگر بیماری‌های جسمی و روحی و فردی و اجتماعی انسان، آن عنصر اصلی یا یکی از اصلی‌ترین عناصر است. همه‌ی واجبات شرعی، اجتناب از همه‌ی محرّمات، تشکیل دهنده‌ی مجموعه‌ای است از داروی تجویز شده‌ی از سوی پروردگار برای تقویت بنیه‌ی روحی و اصلاح امور دنیا و آخرت انسان - اصلاح جامعه، اصلاح فرد - متنها در این مجموعه بعضی از عناصر کلیدی هستند که شاید بشود گفت نماز کلیدی‌ترین این عناصر است. «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». مؤمنان، مجاهدان راه خدا، ایشان‌گران طریق تحکیم معارف الهی این جور می‌اند که وقتی «إِنْ مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ وقتی ما این‌ها را در زمین متمکن کردیم، قدرت را به این‌ها سپردیم، خیلی کارها باید انجام بدهند: استقرار عدالت، ایجاد چه، چه، اما اول چیزی که وجود دارد: «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛ نماز را اقامه می‌کنند. چه رازی است در این نماز که اقامه‌ی آن این قدر مهم است؟

درباره‌ی نماز خیلی بحث شده است. هر انسانی در درون خود یک نفس سرکش دارد، یک پیل مست که اگر مراقبش بودید، با چکش مرتب بر سر او کوبیدید، او شما را به هلاکت نخواهد انداخت؛ رفتار او کنترل خواهد شد و همین نفس انسانی مایه‌ی پیشرفت شما خواهد شد. نفس، مجموعه‌ی غرائز انسانی است که اگر این غرائز درست کنترل شوند، در راه صحیح به کار گرفته شوند، درست اعمال شوند، انسان را به اوج کمال خواهند رساند. اشکال این است که مستی می‌کنند. بایستی یک کنترل کننده‌ای وجود داشته باشد. اگر ظلم در دنیا هست، ناشی از بدمستی غرائز و نفسانیات یک یا چند نفر یا یک مجموعه است؛ اگر فحشاء در دنیا هست، همین جور؛ اگر اهانت به انسان و پایمال کردن کرامت انسان در دنیا وجود دارد، همین جور؛ اگر فقر در دنیا هست، بخش عظیمی از جامعه‌ی بشری دچار محرومیت از نعم الهی بر روی زمینند، به خاطر همین است. نفسانیات مجموعه‌ی ستمگر، ظلم را به وجود می‌آورد. مجموعه‌ی مستکبر، استضعاف را به وجود می‌آورد. مجموعه‌ی تمامیت‌خواه و فزونی‌طلب و بی‌رحم، فقر را به وجود می‌آورد، گرسنگی را به وجود می‌آورد. این نفسانیات است که این همه مفاسد در عالم از اول تاریخ تا امروز وجود داشته و هرچه انسان در به کارگیری توانائی‌های گوناگونی که خدا در او به ودیعت گذاشته، جلوتر رفته، این کم‌تر نشده، بیش‌تر شده؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا». آن ظالمی که بمب اتم دارد، فرق می‌کند با آن ظالمی که فقط با شمشیر می‌جنگد. این نفسانیات برای انسان‌ها خطرناک‌تر شده‌اند.

یک چنین چیزی در وجود انسان‌ها هست. همه‌ی انسان‌ها مبتلا به این پیل مست در درون وجود خودشان هستند که باید این را مهار کنند. این مهار با ذکر خداست؛ با یاد خداست؛ با پناه بردن به خداست؛ با احساس نیاز به پروردگار است؛ با احساس حقارت خود در مقابل عظمت الهی است؛ با احساس زشتی‌های خود در مقابل جمال مطلق حق متعال است. این‌ها همه‌اش ناشی از ذکر است. انسانی که باتقواست، یعنی مراقب خودش هست و متذکر هست، منشأ شرّ و ظلم و فساد و طغیان و بدی

به این و آن نمی‌شود. آن ذکر الهی مرتب دارد او را نهی می‌کند؛ مرتب دارد او را باز می‌دارد: «الصَّلوة تنهی». «تنهی» یعنی نهی می‌کند، نه این‌که دست و پای انسان را می‌بندد؛ غرائز را از کار می‌اندازد. بعضی خیال می‌کنند «الصَّلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر»، معنایش این است که اگر نماز خواندی، دیگر فحشا و منکر از بین خواهد رفت؛ نه، معنایش این است که وقتی نماز می‌خوانی، آن واعظ درونی تو که با نماز جان گرفته، او مرتب به تو از بدی فحشاء و منکر می‌گوید. و گفتن و تکرار کردن و بر دل فرو خواندن، طبعاً اثر دارد و دل را خاضع و خاشع می‌کند. لذاست می‌بینید نماز تکرار باید شود. روزه، سالی یک بار؛ حج، عمری یک بار؛ نماز، هر روز چند بار باید تکرار شود. اهمیت نماز این‌جاست.

اگر نماز خواندیم، از درون انسان، از دل انسان بگیرد تا سطح جامعه و تا سطح حاکمیت بر جامعه - هرچه این جامعه بزرگ باشد - به برکت نماز امان پیدا می‌کند، امنیت پیدا می‌کند. دل انسان امنیت پیدا می‌کند، جسم انسان امنیت پیدا می‌کند، جامعه‌ی انسان امنیت پیدا می‌کند. نماز خاصیتش این است؛ اقامه‌ی صلاة در جامعه این است. اینی که این همه تأکید شده، کار شما این است؛ شما ستادهای اقامه‌ی نماز و ستادهای ترویج نماز در هر نقطه‌ای از نقاط کشور، در هر قشری از اقشار و مهمتر از همه در مجموعه‌ی جوانان نخبه و دانشجو. این معنایش کشاندن جامعه به این حالت ذکر همگانی است. همگان متذکر باشند؛ کوچک، بزرگ، زن، مرد، مسؤول دولتی، غیر مسؤول دولتی، شخصی که برای خودش کار می‌کند، شخصی که برای یک جماعتی کار می‌کند، این‌ها وقتی متذکر پروردگار بودند، کارها سامان پیدا می‌کند. بیش‌تر گناهان ما از غفلت سر می‌زند. این نماز به طور دائم تکرار می‌شود.

در این زمینه‌ها حرف زیاد زده‌اند، ما هم بارها عرض کرده‌ایم؛ نماز جسمی دارد و روحی. به این باید توجه بشود. یعنی تک تک ما، خود من و دیگران باید به این توجه کنیم. نماز قلبی دارد و مضمونی؛ جسمی دارد و روحی. مواظب باشیم جسم نماز از روح نماز خالی نماند. نمی‌گوییم جسم بی‌روح نماز هیچ اثری ندارد؛ چرا، بالاخره یک اثرکی دارد؛ اما آن نمازی که

اسلام و قرآن و شرع و پیغمبر و ائمه (علیهم‌السلام) این همه روی آن تأکید کردند، نمازی است که جسم و روحش هر دو کامل باشد. این جسم هم متناسب با همان روح فراهم شده؛ قرائت دارد، رکوع دارد، سجود دارد، به خاک افتادن دارد، دست بلند کردن دارد، بلند حرف زدن دارد، آهسته حرف زدن دارد. این تنوع برای پوشش دادن به همه‌ی آن نیازهایی است که به وسیله‌ی نماز بایستی برآورده شود که هر کدام رازی در جای خود دارد و مجموعه‌ی این‌ها، قالب و شکل نماز را به وجود می‌آورد. این شکل خیلی مهم است، لیکن روح این نماز توجه است؛ توجه. بدانیم چه کار داریم می‌کنیم. نماز بی توجه - همان طور که عرض کردم - اثرش کم است.

شما از یک تکه الماس چند قیراطی خیلی ارزشمند دو جور می‌توانید استفاده کنید. یک جور این است که مثل یک الماس، مثل یک سنگ قیمتی از آن استفاده کنید، یکی هم این است که آن را به عنوان سنگ ترازو به کار ببرید و به جای سنگ چند گرمی تو ترازو بگذارید و در مقابلش مثلاً فلفل یا زردچوبه بکشید! این هم استفاده‌ای از الماس است؛ اما چه جور استفاده‌ای؟! این مثل تضييع الماس است. البته باز هم با شکستن الماس فرق دارد؛ باز هم همین قدر، شکستن از او بدتر است؛ اما استفاده‌ی از الماس هم این نیست که آدم او را سنگ ترازو قرار بدهد و با او فلفل و زردچوبه وزن کند. با نماز مثل الماسی که سنگ ترازو کرده‌ایم، نباید رفتار کنیم. نماز خیلی ذی‌قیمت است.

یک وقت انسان نماز می‌خواند، مثل بقیه‌ی عادات روزانه؛ مسواک می‌زنیم - فرض بفرمایید - ورزش می‌کنیم، همین جور نماز هم می‌خوانیم در وقت. یک وقت نه، انسان نماز می‌خواند، با این احساس که می‌خواهد حضور در محضر پروردگار پیدا کند. این یک جور دیگر است. ما همیشه در محضر پروردگاریم؛ خواب باشیم، بیدار باشیم، غافل باشیم، ذاکر باشیم. لیکن یک وقت هست که شما وضو می‌گیرید، تطهیر می‌کنید، خودتان را آماده می‌کنید، با طهارت جسم، با طهارت لباس، با طهارت معنوی ناشی از وضو و غسل می‌روید خدمت پروردگار عالم. ما در نماز باید یک چنین احساسی داشته باشیم. رفتیم خدمت پروردگار، عرض کردیم؛ با این حال وارد نماز باید شد؛ خود را در مقابل خدا باید

احساس کرد؛ مخاطب باید داشت در نماز. وَاَلَا صِرْف این که یک امواجی را که ناشی از کلمات و حروف هست، در فضا منتشر کنیم، این آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. می شود همین طور گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ...» و امواجش را منتشر کنیم. همین را می شود با قرائت خوب هم خواند، اما بی توجه، که باز هم همان منتشر کردن امواج صوتی است در هوا. این، آن چیزی نیست که از ما خواسته شده. از ما خواسته شده که در حال نماز دلمان را ببریم به پیشگاه پروردگار؛ از دلمان حرف بزنیم، با دلمان حرف بزنیم؛ اینها مهم است. این را در وضع ترویج نماز، در نمازی که خود ما می خوانیم، نمازی که به دیگران تعلیم می دهیم، این نکته ی روح نماز را باید توجه کنیم.

البته این روح بدون جسم هم به دست نمی آید. این که انسان خیال کند اگر این است، می نشینم صد بار ذکر می گویم و مثلاً نماز دیگر نمی خوانم، نه. همین جور که عرض کردیم، آن جسم، آن کالبد، با توجه به نیازهای تأمین شونده ی به وسیله ی این روح تنظیم شده است. لذا ببینید در روایات برای حالات مختلف نماز یک خصوصیات را گذاشته اند؛ واجب نیست، مستحب است. در وقت ایستادن به کجا نگاه کنید؛ در وقت سجده کردن به کجا نگاه کنید؛ در وقت رکوع، بعضی از روایات دارد، چشمتان را ببندید؛ بعضی روایات دارد به جلو نگاه کنید؛ این خصوصیات همه کمک می کند به آن حالت حضور و توجهی که برای انسان لازم است.

حالا اهمیت نماز که واقعاً برای ما توصیفش هم شاید ممکن نباشد. امام صادق (علیه السلام) در بیماری رحلت به وصی شان می فرمایند که: «لَيْسَ مَنِّي مَنْ اسْتَحْفَظَ بِالصَّلَاةِ»؛ از ما نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. استخفاف یعنی سبک شمردن، کم اهمیت شمردن. حالا این نماز با همه ی این خصوصیات، با همه ی این فضائل، چه قدر از انسان وقت می گیرد؟ نماز واجب ما - این هفده رکعت - اگر انسان بخواهد با دقت و با قدری ملاحظه بخواند، فرض کنید سی و چهار دقیقه وقت می گیرد،

وآلاً کم‌تر وقت خواهد گرفت. ما گاهی اوقات می‌شود که پای تلویزیون در انتظار برنامه‌ای که مورد علاقه‌ی ماست نشسته‌ایم و قبل از آن، دائم تبلیغات، تبلیغات، تبلیغات - بیست دقیقه، پانزده دقیقه - که هیچ‌کدام هم به درد ما نمی‌خورد، می‌نشینیم گوش می‌کنیم و بیست دقیقه وقتمان را از دست می‌دهیم، برای خاطر آن برنامه‌ای که می‌خواهیم. بیست دقیقه‌های زندگی ما این‌جوری است. منتظر تاکسی می‌شویم، منتظر اتوبوس می‌شویم، منتظر رفیقمان می‌شویم که بیاید جائی برویم، منتظر استاد می‌شویم که سر کلاس دیر کرده، منتظر منبری می‌شویم که دیر به مجلس رسیده؛ همه‌ی این‌ها - ده دقیقه، پانزده دقیقه، بیست دقیقه - به هدر می‌رود. خوب، این بیست دقیقه و بیست و پنج دقیقه و سی دقیقه را برای نماز - این عمل راقی، این عمل بزرگ - مصرف کردن مگر چه قدر اهمیت دارد.

در جامعه‌ی جوان کشور بیش‌از دیگران باید به نماز اهمیت داد. جوان با نماز دلش روشن می‌شود، امید پیدا می‌کند، شادابی روحی پیدا می‌کند، بهجت پیدا می‌کند. این حالات بیش‌تر مال جوان‌هاست، بیش‌تر مال موسم جوانی است؛ می‌تواند لذت ببرد. و اگر خدا به من و شما توفیق بدهد، نمازی بخوانیم که با توجه باشد، خواهیم دید که انسان در هنگام توجه به نماز از نماز سیر نمی‌شود. انسان وقتی به نماز توجه پیدا کند، آن‌چنان لذتی پیدا می‌کند که در هیچ‌یک از لذائذ مادی این لذت وجود ندارد. این در اثر توجه است. بی‌توجهی به نماز، کسالت در حال نماز، از خصوصیات منافقین است - نه اینکه حالا هر کسی در حال نماز کسالت داشت، منافق است؛ نه - خدا منافقین را در قرآن معرفی می‌کند و می‌گوید این‌ها را از این بشناس. در زمان پیغمبر منافقینی بودند که برای خاطر این و آن نماز می‌خواندند و در دل به نماز اعتقادی نداشتند. «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ». بله، وقتی کسی طرف خطاب ندارد، با خدا حرف نمی‌زند، خسته می‌شود و برایش یک کار طولانی به نظر می‌آید. چهار رکعت نماز که چهار دقیقه، پنج دقیقه طول می‌کشد، برای او یک زمان طولانی به نظر می‌آید؛ در حالی که

چهار دقیقه مگر چه قدر است؟ انسان اگر در این حالت با خدا طرف خطاب بشود، آن وقت خواهد دید که مثل برق گذشت؛ دریغ می خورد، افسوس می خورد و دلش می خواهد طولانی تر بشود.

این معنا را در جوانها، ترویج کنید. جوانها اگر از حالا عادت کنند به نماز خوب، وقتی به سن ماها رسیدند، نماز خوب خواندن برایشان دیگر مشکل نیست. در سنین ما آدمی که عادت نکرده باشد به نماز خوب، نماز خوب خواندن ممکن است، اما مشکل است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به این که خوب نماز بخواند؛ یعنی نماز با توجه - نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نماز با توجه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف بزند - آن وقت این سنجیه‌ی او می شود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همین جور خوب نماز می خواند.

یک نکته‌ای را آقای قرائتی الان اشاره کردند، قبلاً هم مکرر گفته‌اند، ما هم گفته‌ایم؛ در مورد کمبود مسجد و نمازخانه در مراکز پرجمعیت. این را باید دوستانی که از دولت این جا تشریف دارند - وزرای محترم که این جا تشریف دارید - در دولت به طور جد مطرح کنید. همه‌ی کارهای مهندسی بزرگ بایستی یک پیوست مسجد و نمازخانه داشته باشد. وقتی مترو طراحی می کنیم، برای ایستگاه مترو، مسجد در آن ملاحظه شود؛ ایستگاه قطار طراحی می کنیم، فرودگاه طراحی می کنیم، مسجد در آن حتماً دیده شود. شهرک طراحی می کنیم، مسجد در مراکز لازم که ممکن است بیش از یکی لازم باشد، در او حتماً ملاحظه شود. آیا ممکن است ما یک شهرک را طراحی کنیم، خیابان‌کشی او را فراموش کنیم؟ می شود شهرک بدون خیابان؟ با این چشم باید به مسجد نگاه کرد. شهرک بدون مسجد معنی ندارد. وقتی انبوه‌سازان ساختمان می خواهند مجوز بگیرند برای انبوه‌سازی و ساختمان بسازند، در نقشه‌ای که ارائه می دهند که مجوز بر اساس او صادر می شود، باید نمازخانه دیده شود. ما باید با نمازخانه این جوری برخورد کنیم.

اشاره کردند به پروازها؛ نه فقط پروازهای حج، در پروازهای گوناگون - داخلی، خارجی، دوردست - که وقت نماز را پوشش می‌دهد، حتماً رعایت مسئله‌ی نماز بشود. اگر امکان دارد قبل از پرواز و بعد از پرواز، وقت نماز وجود داشته باشد؛ این جور نباشد که مثلاً فرض بفرمایید از قبل از اذان صبح راه بیافتند و بعد از آفتاب به مقصد برسند؛ نه، برنامه را جوری تنظیم کنند که مردم بتوانند نمازشان را بخوانند؛ یا قبل، یا بعد. اگر امکان ندارد - گاهی ضرورت‌هایی از لحاظ پروازهای داخلی، خارجی، خطوط هوایی، پیدا می‌شود که امکان ندارد - در داخل هواپیما امکانات نماز خواندن را فراهم کنند که البته کاملاً می‌شود قبله را تشخیص داد؛ یعنی خلبان‌ها واردند، می‌فهمند، می‌دانند؛ تا افرادی که مایلند در داخل هواپیما نماز بخوانند، بتوانند. البته مسئله‌ی حرکت قطارها هم به طریق اولی این جور است.

امروز در کشور ما این جهات قابل مقایسه‌ی با قبل از انقلاب نیست. شماها اغلب قبل از انقلاب را یادتان نیست. عجیب بود! هم این‌جا، هم بعضی جاهای دیگر. ما عراق رفته بودیم، یک سفر عتبات مشرف شدیم، هر کار کردیم برای نماز صبح، توقف نکرد؛ یعنی اصلاً نمی‌شد؛ جوری تنظیم کرده بودند که نمی‌شد. و بنده مجبور شدم از اواخر قطار - که نزدیک ایستگاه یا اوایل ایستگاه بود - خودم را از پنجره بیاندازم بیرون، که بتوانم نماز بخوانم؛ چون در داخل قطار کثیف بود و نمی‌شد نماز خواند. به هر حال، این چیزها هیچ رعایت نمی‌شد. حالا خیلی تفاوت کرده؛ متنها بیش از این‌ها انتظار هست. اهمیت نماز باید معلوم باشد.

ما بارها، مکرر به آقایان ائمه‌ی جمعه، ائمه‌ی جماعت و روحانیون محترم در شهرستان‌ها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همه‌ی نشانه‌های توجه به نماز و اقامه‌ی نماز را در شهر اسلامی - به‌خصوص در شهرهایی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها می‌شوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما این‌که در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار

باشد. صهیونیست‌ها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره‌ی داوود را سعی کردند یک‌جوری رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان این‌جوری است. ما مسلمان‌ها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه‌ی کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.

به هر حال، امیدواریم خداوند متعال توفیق بدهد. کار نماز، کار کوچکی نیست؛ کار بسیار بزرگی است. همه‌ی دست‌اندرکاران این کار ان‌شاءالله جزو «والمقیمین الصلوة» هستند که در قرآن به‌خصوص «والمقیمین الصلوة» درباره‌ی مؤمنان پاک و پاکیزه و خالص اسم آورده شده. ان‌شاءالله همه‌تان در عداد مقیمین الصلوة باشید و خدای متعال کمک کند، توفیق بدهد، و همه‌ی ما را از برکات نماز ان‌شاءالله برخوردار کند.

والسلام علیکم ورحمةالله

۸۷/۸/۲۸

نماز، مسجد و جوانان

هجدهمین اجلاس سراسری نماز

قم، مسجد مقدس جمکران

آبان‌ماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام‌گذاری اجلاس امسال نماز به نام جوانان کاری به‌سزا و برآمده از نگاه درست به این چشمه فیاض یاد و راز و نیاز است دل و جان نیالوده جوان آماده‌ترین کانونی است که این مشکات نور و حضور می‌تواند در آن گرمی و روشنی بپراکند و راه سلوک و عروج معنوی را در میانه کج راهه‌ها نمایان سازد آشنا کردن جوانان با صفا و بهجتی که در نماز و ذکر است خدمتی بزرگ به آنان و به آینده‌ای است که باید با دست توانا و عزم جوانانه آنان ساخته و پرداخته شود سفارش این جانب آن است که مسجد را نیز همچون دل‌های جوان پاکیزه و پیراسته و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنیم.

مسجد نیز باید کانونی باشد که مشکات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود.

امامان جماعت، هیئت‌های امناء، خادمان موظف و متبرّع هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند. توفیق همه دست‌اندرکاران سلسله نشست‌های نماز مخصوصاً جناب حجت‌الاسلام قرائتی مرد شایسته ثابت قدم و استوار را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۸/۸/۱۲

نماز، مسجد و خانواده

نوزدهمین اجلاس سراسری نماز

بیرجند - دانشگاه پیام نور

مهرماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه‌ی اسلامی است: خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم؛ کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی؛ جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ئی است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رائج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام است.

با این نگاه، دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می‌گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می‌توانند نمائی از این تصویر زیبا و شوق‌انگیز را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاک‌نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهائی را به درستی، کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یاد‌های عزیز و گرانبها را در دل‌های ما برانگیخته است. لیکن تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچیک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسائی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.

نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است. هم‌اکنون با وجود ده‌ها هزار مسجد در کشور، جای هزاران مسجد دیگر در روستاها، شهرها، شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی خالی است. دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ما

است. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمره‌ی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ی برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب هم‌تانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غم‌گساری می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل؛ مأمن و مایه‌ی خیر و برکت باشد و به طریق اولی، وسیله‌ی زحمت و آزار مجاوران نگردد. پخش صداهای آزاردهنده به‌ویژه در شب و هنگام آسایش مردم، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدایی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند بانگ اذان با صوت خوش و دل‌نواز است. عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، وظیفه‌ی همگان است و هر کسی به اندازه‌ی توان و همت باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی هر یک در آن باید سهمی ایفاء کنند و روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزگار می‌تواند و می‌باید محور این منظومه‌ی تلاش مقدس باشد. از خداوند متعال توفیق همگان را مسألت می‌کنم و برای روحانی مجاهد و

خدمت‌گزار، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قرائتی دوام عمر و
نشاط و توفیق روزافزون از خداوند می‌طلبیم.

والسلام علیکم ورحمةالله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۹/۷/۱۸

نماز و مسجد طراز اسلامی

بیستمین اجلاس سراسری نماز

بوشهر - مصلی

آبان‌ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان، به سرشت و طبیعت خود، مشتاق و نیازمند نیایش و خشوع در برابر خداوند است که آفریننده‌ی همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌ها است؛ و نماز، برآورنده‌ی این نیاز است. ادیان الهی با تشریح نماز، کام تشنه‌ی فطرت انسان را سیراب می‌کند و او را از سرگشتگی و گمراهی در فرونشاندن این عطش طبیعی نجات می‌بخشند. تکرار نماز در هر روز و شب، فرصت و نعمتی است که آدمی را از غرقه شدن در غفلت می‌رهاند؛ به او مجال حضور دل آگاهانه در برابر خدا می‌بخشد؛ جان او را صیقل می‌دهد و گوهر باطن او را درخشان می‌سازد.

ذکر و نماز و نیایش، آنگاه که با سامان زندگی اجتماعی درهم می‌آمیزد معجزه‌ی اسلام را در آرایش منظومه‌ی احکام عبادی آن آشکار می‌سازد. مسجد، مظهری از این درهم‌آمیختگی است. نماز در مسجد و با جماعت مؤمنان، همگانی نشستن برگرد سفره‌ی میهمانی خداوند است، و این خود، بارش رحمت الهی را انبوه‌تر و دلنشین‌تر می‌سازد.

به برکت نماز، فضای مسجد نورانی و عطرآگین می‌گردد و سخن حق و آموزش دین و اخلاق و سیاست در آن بیش‌از هر جای دیگر بر دل و جان می‌نشیند و به زندگی فرد و جامعه، سمت و سوی خدایی می‌دهد.

مسجد را با این نگاه باید نگریست. روح مسجد، کالبد زندگی را پرنشاط و پرانگیزه می‌سازد در هر جا سامان زندگی است، مسجد، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاه‌ها و جاده‌ها و

پایانه‌های سفری و تا آسایش‌ها و بیمارستان‌ها و بوستان‌ها و گردشگاه‌ها، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد. مسجد در همه‌جا باید پاکیزه، زیبا و آرام‌بخش باشد. مدیریت محتوایی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه، و حتی عاشقانه باشد. حوزه‌های علمیه برای آماده‌سازی روحانیانی در این طراز، وظیفه‌ای ذاتی و طبیعی دارند. اگر مسجد، کیفیت شایسته‌ی خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد داشت. به امید آن روز، و با سلام بر حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه

والسلام علیکم ورحمةالله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۹۰/۷/۱

نماز و نهضت مسجدسازی

بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز

کرمانشاه - سالن انتظار

شهریور ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

امسال نیز شما مردان و زنان خداجوی و حقیقت‌نیوش، با برگزاری این اجلاس، گام دیگری در راه وظیفه‌ی بزرگ اسلامی خویش یعنی اقامه‌ی نماز برداشته‌اید. از همه‌ی دست‌اندرکاران به‌ویژه از جناب حجة الاسلام آقای قرائتی، روحانی مجاهد و صادق و ثابت‌قدم که استوانه‌ی اصلی این کار بزرگ است، تشکر می‌کنم و پاداش الهی را برای ایشان و همکارانشان مسألت می‌نمایم.

با این همه باید اعتراف کنیم که هنوز مجموعه‌ی ما مسئولان نظام اسلامی وظیفه‌ی خود را در این‌باره به تمام و کمال، ادا نکرده‌ایم. اهمیت نماز را باید به درستی فهمید. این که فرموده‌اند: اگر نماز در درگاه خداوند، مقبول افتد دیگر خدمات و زحمات نیز پذیرفته شده و اگر نماز، مردود باشد هرچه جز آن نیز مردود گشته است، حقیقتی بزرگ را به ما می‌نمایاند. آن حقیقت این است که اگر در جامعه‌ی اسلامی نماز در جایگاه شایسته‌ی خود قرار گیرد، همه‌ی تلاش‌های سازنده‌ی مادی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمان‌ها می‌گشاید و جامعه را به نقطه‌ی مطلوب آرمانی اسلام می‌رساند؛ و اگر از اهمیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد، این مسیر به‌درستی طی نخواهد شد و تلاش‌ها و مجاهدت‌ها تأثیر لازم را در رساندن به قله‌ای که اسلام برای جامعه‌ی بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت.

این حقیقت، به همه‌ی ما هشدار می‌دهد و وظیفه‌ای سنگین را به یاد ما می‌آورد. تلاش‌های فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره، همه باید به گونه‌های طراحی و اجرا شود که نماز، با کیفیت مطلوب، روزبه‌روز در میان مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان رونق گیرد و همه به‌راستی از این چشمه‌ی پاکی و روشنی بهره‌مند گردند. بی‌شک دستگاه‌های متعدد امور فرهنگی و آموزشی و صدا و سیما و دست اندرکاران اداره‌ی مساجد، بیش از دیگران باید احساس مسئولیت کنند.

از خداوند متعال کمک بخواهید و دامن همت به کمر بزنید و حرکتی تازه در این راه آغاز کنید. خداوند یار و نگهدارتان.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳ / شهریور / ۱۳۹۱